



Iran's Criminal Policy towards Emotional Crimes Resulting from Gatherings: Challenges and Solutions

Seyed Mehrzad Mousavi¹, Mohsen Rahami^{*2}, Mohammad Jafar Saed¹

1. Department of Law, Criminal Law and Criminology, CT.C. Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, Criminal Law and Criminology, CT.C. Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 105-130

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3124-8960

Email: Rahamioffice@gmail.com

Article history:

Received: 20 Jun 2025

Revised: 02 Sep 2025

Accepted: 24 Oct 2025

Published online: 20 Feb 2026

Keywords:

Criminal Policy, Emotional Crimes, Public Assemblies, Public Security, Public Order.

ABSTRACT

The freedom of assembly and demonstration is recognized as a fundamental right of citizens in the legal system of the Islamic Republic of Iran. Nevertheless, contemporary social experiences indicate that certain assemblies, particularly under conditions of political and social tension, may lead to emotional behaviors and the commission of crimes. This situation places the state's criminal policy in a challenging position between maintaining public order and security on the one hand and safeguarding fundamental freedoms on the other. This study aims to examine and analyze Iran's criminal policy toward emotional crimes committed during public assemblies and to identify challenges and improvement strategies. This research is fundamental-applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method. Data were collected through library and documentary methods, including domestic laws and regulations, published judicial opinions, legal scholars' views, and human rights documents related to freedom of assembly. Despite the constitutional recognition of freedom of assembly under Article 27 of the Iranian Constitution, Iranian legislation lacks an independent and explicit criminalization of offenses arising from assemblies, and criminal responses are mainly based on broadly defined offenses against internal security and public order. Judicial and executive practices face challenges such as legal ambiguity, expansive interpretation, and the predominance of a security-oriented approach. Iran's criminal policy regarding emotional crimes arising from assemblies lacks sufficient coherence and transparency, requiring legislative, judicial, and executive revision. It is recommended that the legislature take effective steps toward realizing criminal justice and protecting fundamental freedoms by enacting a comprehensive assembly law, establishing independent criminalization for emotional crimes, and emphasizing the restrictive interpretation of criminal laws.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Mousavi, SM; Rahami, M & Saed, MJ (2026). "Iran's Criminal Policy towards Emotional Crimes Resulting from Gatherings: Challenges and Solutions". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 105-130.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

سیاست جنایی ایران در قبال جرایم هیجانی ناشی از تشکیل اجتماعات؛ چالش‌ها و راهکارها

سیدمهرزاد موسوی^۱، محسن رهامی^{۲*}، محمدجعفر ساعد^۱

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به‌رسمیت شناخته شده است. با این حال، تجربه‌های اجتماعی معاصر نشان می‌دهد که برخی اجتماعات، به‌ویژه در شرایط تنش‌های سیاسی و اجتماعی، می‌توانند به بروز رفتارهای هیجانی و ارتکاب جرایم منجر شوند. این وضعیت، سیاست جنایی دولت را در موقعیتی چالش‌برانگیز میان حفظ نظم و امنیت عمومی و صیانت از آزادی‌های اساسی قرار می‌دهد. هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل سیاست جنایی ایران در قبال جرایم هیجانی ارتكابی در زمان تشکیل اجتماعات و شناسایی چالش‌ها و راهکارهای بهبود آن است. این پژوهش از حیث هدف، بنیادی - کاربردی و از حیث روش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و شامل قوانین و مقررات داخلی، آرای قضایی منتشرشده، نظرات حقوق‌دانان و اسناد حقوق بشری مرتبط با آزادی اجتماعات است. علی‌رغم شناسایی آزادی اجتماعات در اصل ۲۷ قانون اساسی، قانون‌گذار ایران فاقد جرم‌انگاری مستقل و شفاف درخصوص جرایم ناشی از تجمعات است و برخورد کیفری عمدتاً از طریق عناوین کلی جرایم علیه امنیت داخلی و نظم عمومی صورت می‌گیرد. رویه قضایی و اجرایی در این حوزه با چالش‌هایی نظیر ابهام قانونی، تفسیر موسع و غلبه رویکرد امنیتی مواجه است. برخورداریست سیاست جنایی ایران در قبال جرایم هیجانی ناشی از اجتماعات، از انسجام و شفافیت و نیازمند بازنگری تقنینی، قضایی و اجرایی است پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با تدوین قانون جامع اجتماعات، جرم‌انگاری مستقل جرایم هیجانی و تأکید بر تفسیر مضیق قوانین کیفری، گام مؤثری در جهت تحقق عدالت کیفری و صیانت از آزادی‌های اساسی بردارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۵-۱۳۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۸۹۶۰-۳۱۲۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

ایمیل: Rahamioffice@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی، جرایم هیجانی، اجتماعات و راهپیمایی‌ها، امنیت عمومی، نظم عمومی.



مقدمه

آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها یکی از حقوق بنیادین شهروندان و از مهم‌ترین شاخص‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی در جوامع مردم‌سالار محسوب می‌شود. این حق، امکان بیان دیدگاه‌ها، انتقال مطالبات عمومی، نقد عملکرد نهادهای حکومتی و مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی اجتماعی را برای شهروندان فراهم می‌سازد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). در مقابل، دولت‌ها نیز مکلف‌اند ضمن تضمین بهره‌مندی شهروندان از این حق، از نظم عمومی، امنیت اجتماعی و حقوق سایر افراد جامعه صیانت نمایند. این حق در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ازجمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۲۱) و در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است. اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این حق را با قید «بدون حمل سلاح» و «به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلام نباشد» تضمین کرده است (قانون اساسی، اصل ۲۷). با این حال، تحقق عملی این حق همواره با چالش‌های حقوقی و کیفری همراه بوده است. در عمل، برخی اجتماعات به‌ویژه در شرایط بحران‌های اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی، ممکن است از مسیر مسالمت‌آمیز خارج شده و به بروز رفتارهای هیجانی، خشونت‌آمیز یا مجرمانه بینجامند. ویژگی اصلی این‌گونه جرایم، تأثیرپذیری شدید از هیجانات جمعی، فقدان تصمیم‌گیری عقلانی و واکنش‌های آنی است که تمایز آن‌ها را از جرایم برنامه‌ریزی‌شده آشکار می‌سازد. در چنین شرایطی، افرادی که معمولاً فاقد سابقه کیفری هستند و هیچ‌گونه قصد مجرمانه قبلی ندارند، ممکن است در اثر فضای ملتهب جمعی، مرتکب رفتارهایی شوند که در شرایط عادی هرگز مرتکب نمی‌شدند. این وضعیت، نظام عدالت کیفری را با پرسشی بنیادین مواجه می‌کند: چگونه می‌توان با ابزارهای کیفری به چنین رفتارهایی پاسخ داد، بی‌آن‌که اصل آزادی اجتماعات و حقوق بنیادین شهروندان نقض شود؟ سیاست جنایی دولت‌ها در این زمینه، ناگزیر در نقطه تلاقی میان امنیت عمومی و آزادی‌های اساسی قرار می‌گیرد. اتخاذ رویکردی مبتنی بر سرکوب کیفری گسترده می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی و نقض حقوق شهروندی منجر شود،

درحالی‌که تساهل افراطی نیز ممکن است نظم عمومی و امنیت اجتماعی را با مخاطره مواجه سازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۵۰). در نظام حقوقی ایران، این تعارض زمانی پیچیده‌تر می‌شود که قوانین کیفری موجود، به دلیل ابهام و کلی‌گویی، امکان تفسیر موسع و تسری به رفتارهای هیجانی را فراهم می‌آورند (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۱۲). بررسی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم هیجانی ناشی از اجتماعات، ضرورتی علمی و عملی دارد. این ضرورت از آنجا نشأت می‌گیرد که فقدان سیاستی شفاف، منسجم و متناسب در این حوزه، نه تنها به افزایش هزینه‌های اجتماعی و قضایی دامن می‌زند، بلکه می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام عدالت کیفری و تشدید تنش‌های اجتماعی منجر شود. از این رو پژوهش حاضر می‌کوشد با نگاهی تحلیلی و انتقادی، ضمن تبیین وضعیت موجود، زمینه‌های اصلاح و بازنگری در سیاست جنایی این حوزه را مورد توجه قرار دهد.

مسئله اصلی پژوهش، این است که چگونه می‌توان با ابزارهای کیفری به جرایم هیجانی پاسخ داد، بی‌آن‌که اصل آزادی اجتماعات و حقوق بنیادین شهروندان نقض شود و از طرفی امنیت اجتماع مخدوش نگردد؟ این پژوهش با هدف تحلیل سیاست جنایی ایران در این حوزه و ارائه راهکارهای تقنینی، قضایی و اجرایی برای ایجاد تعادل میان آزادی اجتماعات و نظم عمومی، در پی پاسخ به این پرسش‌های اصلی است که سیاست جنایی ایران در قبال جرایم هیجانی چه ویژگی‌هایی دارد و چه چالش‌ها و راهکارهایی برای بهبود آن وجود دارد.

پژوهش حاضر از حیث هدف، بنیادی - کاربردی و از حیث روش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و شامل قوانین و مقررات داخلی، آثار دکترین حقوق کیفری، آرای قضایی منتشرشده و اسناد حقوق بشری مرتبط با آزادی اجتماعات می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی، قوانین و مقررات داخلی، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، آرای قضایی، نظریات مشورتی و سایر منابع معتبر علمی بوده است.

(حسینی، ۱۳۸۱: ۱۵). سیاست جنایی در مفهوم کلاسیک، به مجموعه تدابیر و واکنش‌هایی اطلاق می‌شود که دولت برای مقابله با جرم و مجرم اتخاذ می‌کند. در این رویکرد، تمرکز اصلی بر قوانین کیفری، مجازات‌ها و فرآیند دادرسی کیفری قرار دارد. با گسترش مطالعات جرم‌شناختی و تحول اندیشه‌های حقوق کیفری در قرن بیستم، مفهوم سیاست جنایی نیز دچار تحول شد. اندیشمندان دریافتند که مقابله با جرم صرفاً از طریق مجازات امکان‌پذیر نیست و عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیز در شکل‌گیری و کنترل بزهکاری نقش اساسی دارند. از این‌رو سیاست جنایی از چارچوب محدود کیفری فراتر رفت و به مجموعه تدابیر تقنینی، قضایی، اجرایی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی برای پیشگیری از جرم و مدیریت پدیده بزهکاری توسعه یافت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۴۱).

در رویکردهای نوین، سیاست جنایی صرفاً به واکنش پس از وقوع جرم محدود نمی‌شود، بلکه شامل سیاست‌های پیشگیرانه، اصلاحی و حمایتی نیز هست. بر این اساس، دولت در کنار نهادهای مدنی، رسانه‌ها، مراکز آموزشی، خانواده و سایر کنشگران اجتماعی در تحقق اهداف سیاست جنایی مشارکت دارند. نتیجه چنین نگرشی آن است که سیاست جنایی به‌عنوان یک نظام جامع مدیریت جرم و انحراف اجتماعی شناخته می‌شود (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۰).

سیاست جنایی را می‌توان در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی بررسی کرد:

۱- در سطح تقنینی، قانون‌گذار با جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی، محدوده مداخله کیفری را تعیین می‌کند؛

۲- در سطح قضایی، نحوه تفسیر قوانین و اعمال مجازات‌ها توسط دادگاه‌ها اهمیت می‌یابد؛

۳- در سطح اجرایی، عملکرد نهادهایی، مانند پلیس و ضابطان دادگستری در کنترل و پیشگیری از وقوع بزه نقش تعیین‌کننده دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۴۱). این سه سطح، اگرچه از حیث نهادی مستقل از یکدیگر هستند، اما در عمل و در فرآیند تحقق سیاست جنایی، ارتباط تنگاتنگی با

در تحلیل داده‌ها از روش استدلال حقوقی و تحلیل محتوای منابع استفاده شده و ضمن بررسی قوانین و مقررات حاکم بر تشکیل اجتماعات، رویه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بخش تحلیل حقوقی، ابتدا چارچوب‌های تقنینی حاکم بر اجتماعات و جرایم مرتبط با آن‌ها بررسی شده و سپس سیاست جنایی ایران از منظر تقنینی، قضایی و اجرایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. درنهایت، با رویکرد انتقادی و اصلاح‌گرایانه، نقاط ضعف و قوت سیاست جنایی موجود شناسایی و پیشنهاد‌های اصلاحی ارائه شده است. رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر، رویکردی انتقادی و اصلاح‌گرایانه است، بدین‌معنا که ضمن تبیین وضعیت موجود، تالش شده است کاستی‌ها و چالش‌های موجود شناسایی و راهکارهای مناسب برای ارتقای کارآمدی سیاست جنایی کشور در حوزه مدیریت جرایم هیجانی ناشی از اجتماعات ارائه گردد.

۱- چارچوب نظری سیاست جنایی

پیش از بررسی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم هیجانی ناشی از اجتماعات، ضروری است تا چارچوب نظری پژوهش تبیین گردد. در این بخش، ابتدا مفهوم، ابعاد و انواع سیاست جنایی با تأکید بر حوزه اجتماعات مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس مبانی نظری حاکم بر سیاست جنایی ایران در این حوزه تشریح می‌شود تا بستر لازم برای تحلیل‌های بعدی فراهم آید.

۱-۱- مفهوم سیاست جنایی

سیاست جنایی از بنیادی‌ترین مفاهیم علوم جنایی معاصر محسوب می‌شود و امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها برای مقابله با پدیده‌های مجرمانه، حفظ نظم عمومی و تأمین امنیت اجتماعی شناخته می‌شود. با تحول اندیشه‌های حقوق کیفری و گسترش رویکردهای جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی، مفهوم سیاست جنایی نیز از برداشت سنتی خود فاصله گرفته و به مفهومی گسترده و چندبعدی تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که علاوه بر تدابیر کیفری، مجموعه اقدامات تقنینی، قضایی، اجرایی، فرهنگی و اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۱: ۷۷). به عبارت دیگر، سیاست کیفری بخشی از سیاست جنایی است، نه مترادف آن

یکدیگر دارند و هرگونه ناهماهنگی میان آنها می‌تواند به ناکارآمدی کل نظام منجر شود. در حوزه اجتماعات و راهپیمایی‌ها، سیاست جنایی به‌طور خاص با حقوق بنیادین شهروندان پیوند می‌خورد. هرگونه مداخله کیفری در این حوزه، مستقیماً بر آزادی بیان، آزادی تجمع و حق اعتراض اثرگذار است. بنابراین اتخاذ سیاست جنایی سخت‌گیرانه، بدون توجه به بسترهای اجتماعی و روانی رفتارهای جمعی، می‌تواند کارکرد حمایتی حقوق کیفری را به ابزاری برای محدودسازی آزادی‌ها بدل کند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

۱-۲-۲- نواع سیاست جنایی در قبال اجتماعات

سیاست جنایی هر کشوری را از حیث رویکردهای مختلف می‌توان به انواع گوناگونی تقسیم کرد که هریک از آنها می‌تواند در حوزه اجتماعات کاربرد داشته باشد، مهم‌ترین این رویکردها عبارتند از:

۱-۲-۱- سیاست جنایی کیفری

این نوع سیاست جنایی که در ادبیات حقوقی از آن با تعبیری همچون «سیاست جنایی سرکوبگر» یا «کنش کیفری دولت» یاد می‌شود، به مجموعه اقدامات واکنشی دولت در قبال پدیده مجرمانه از طریق حقوق کیفری اطلاق می‌گردد. این نوع سیاست جنایی منحصرأ از ابزارهای کیفری شامل مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی برای مقابله با جرم استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، زمانی سخن از سیاست جنایی کیفری به میان می‌آید که دولت پس از وقوع جرم، از طریق سازوکارهای تعقیب کیفری، دادرسی منصفانه، محکومیت و اجرای مجازات، به مقابله با بزهکاری برخیزد. این رویکرد معادل واکنش رسمی و دولتی علیه جرم است و بخش اعظمی از حقوق کیفری ماهوی و شکلی را دربر می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

۱-۲-۲- سیاست جنایی غیر کیفری

سیاست جنایی غیر کیفری به مجموعه اقدامات و تدابیر مدنی، اداری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اطلاق می‌شود که دولت و نهادهای اجتماعی در واکنش به پدیده مجرمانه، بدون استفاده از ابزارهای کیفری (مجازات و اقدامات تأمینی) اتخاذ می‌کنند. این نوع سیاست جنایی از آنجا اهمیت می‌یابد

که جرم یک پدیده چندبعدی و چندعلتی است و صرفاً با مجازات نمی‌توان از آن پیشگیری یا با آن مقابله کرد. تمایز اساسی سیاست جنایی غیر کیفری با نوع کیفری در این است که اولی به دنبال اصلاح ساختارها و ریشه‌ها است، درحالی‌که دومی به واکنش نسبت به معلول‌ها می‌پردازد. میان این دو رویکرد، رابطه تکامل و هم‌افزایی وجود دارد. سیاست جنایی غیر کیفری می‌تواند از طریق کاهش عوامل جرم‌زا، بار سنگین دستگاه عدالت کیفری را کاهش دهد. در یک نظام کارآمد، این دو رویکرد در کنار یکدیگر و به‌صورت مکمل عمل می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۶۰).

۱-۲-۳- سیاست جنایی پیشگیرانه

سیاست جنایی پیشگیرانه به مجموعه اقدامات و تدابیری اطلاق می‌شود که پیش از وقوع جرم، با هدف کاهش عوامل جرم‌زا، حذف زمینه‌های ارتکاب جرم و کاهش فرصت‌های مجرمانه به کار گرفته می‌شود. تفاوت بنیادین این رویکرد با سیاست جنایی کیفری در این است که سیاست کیفری پس از وقوع جرم و به‌صورت واکنشی عمل می‌کند، درحالی‌که سیاست پیشگیرانه پیش از وقوع جرم و به‌صورت آینده‌نگر فعال می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۱۲).

۱-۲-۴- سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی به مجموعه تدابیری اطلاق می‌شود که در آن، دولت به تنهایی متصدی واکنش به جرم نیست، بلکه جامعه مدنی، نهادهای غیردولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی و خود شهروندان نیز در فرآیند پیشگیری از جرم، تعقیب کیفری، دادرسی و اجرای مجازات نقش فعالی دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۳۵). در نظام حقوقی ایران، جلوه‌هایی از سیاست جنایی مشارکتی قابل مشاهده است: در قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۸۲ تا ۸۹) برای برخی جرایم قابل گذشت و جرایم سبک، نهاد میانجی‌گری پیش‌بینی شده است. همچنین در دعاوی قابل گذشت، طرفین می‌توانند به داوری مراجعه کنند و انجمن‌های حمایت از زندانیان، انجمن حمایت از بزه‌دیدگان و مراکز مشاوره خانواده در فرآیند عدالت کیفری مشارکت دارند.

۱-۲-۵- سیاست جنایی امنیت‌محور

به رویکردی اطلاق می‌شود که در آن، تأمین امنیت عمومی و حفظ نظم اجتماعی به‌عنوان هدف غایی و اولویت نخست نظام عدالت کیفری تعریف می‌شود. در این رویکرد، حقوق و آزادی‌های فردی در صورت تعارض با امنیت جمعی، محدود یا قربانی می‌شود و دولت با توسل به ابزارهای سخت‌گیرانه کیفری، به‌دنبال کنترل بزهکاری و تهدیدات علیه نظم عمومی است (آرون، ۱۳۸۹: ۲۸۴). در نظام حقوقی ایران، رویکرد امنیت‌محور ریشه در مبانی فقهی و سیاسی خاصی دارد. اصل «حفظ نظام از اوجب واجبات» که در بیانات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است، به‌عنوان یک اصل بنیادین در سیاست جنایی ایران ایفای نقش می‌کند. این اصل در قوانین مختلف، ازجمله قانون مجازات اسلامی بخش جرایم علیه امنیت ملی و همچنین تعیین دادگاه اختصاصی (دادگاه انقلاب) برای رسیدگی به این‌گونه جرایم در قانون آیین دادرسی کیفری و ممنوعیت مجرمین امنیتی از برخی ارفاقات قانونی، ازجمله نهاد تعلیق مجازات و در برخی موارد محرومیت از ابراز توبه متبلور شده است.

۱-۲-۶- سیاست جنایی عدالت‌محور

رویکردی است که در آن «عدالت» به‌عنوان ارزش محوری و غایت اصلی نظام کیفری در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم در مقابل سیاست جنایی امنیت‌محور قرار دارد و بر موازنه میان حقوق فردی و نظم عمومی، با تأکید بر کرامت انسانی و تضمین‌های دادرسی عادلانه، استوار است. اصل بنیادین در سیاست جنایی عدالت‌محور، تناسب میان شدت جرم و شدت مجازات است. کیفر باید با میزان مسؤولیت مرتکب و شدت آسیب وارده هماهنگ باشد. این اصل در حقوق ایران در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی و همچنین در اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی قابل ردیابی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

۱-۳-۳- مبانی نظری سیاست جنایی ایران در قبال اجتماعات

سیاست جنایی ایران در قبال اجتماعات بر مجموعه‌ای از مبانی نظری استوار است که هریک نقش مهمی در شکل‌دهی به رویکردهای تقنینی، قضایی و اجرایی ایفا

می‌کنند. شناخت این مبانی، پیش‌نیاز هرگونه تحلیل دقیق از سیاست جنایی موجود و ارائه راهکارهای اصلاحی است.

۱-۳-۱- مبانی حقوق بشری

در نظام حقوق بشر، آزادی اجتماعات به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین انسان شناخته می‌شود که ارتباط مستقیمی با کرامت انسانی، آزادی بیان، آزادی عقیده و مشارکت سیاسی دارد (موسوی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۳۰). از منظر حقوق بشری، انسان موجودی اجتماعی است و تحقق بسیاری از حقوق و آزادی‌های وی در بستر تعاملات جمعی امکان‌پذیر می‌شود. براساس این دیدگاه، سیاست جنایی مطلوب نباید آزادی اجتماعات را به‌عنوان تهدیدی علیه نظم عمومی تلقی کند، بلکه باید آن را یکی از ابزارهای تحقق حقوق شهروندی و مشارکت عمومی بداند. نظام‌های حقوقی با اصالت‌بخشیدن و اولویت‌دادن به فرد صاحب حق و تقدم آن نسبت به جامعه، نظریه حاکمیت حق را مطرح نموده و اولویت رتبی را از آن حقوق و منافع فردی دانسته‌اند.

۱-۳-۲- مبانی قانون اساسی

قانون اساسی هر کشور مهم‌ترین منبع تعیین‌کننده سیاست جنایی آن کشور در قبال اجتماعات محسوب می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز قانون اساسی چارچوب کلی سیاست جنایی مربوط به اجتماعات را مشخص کرده است. اصل ۲۷ قانون اساسی با شناسایی آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، مهم‌ترین مبنای حقوقی سیاست جنایی در این حوزه را تشکیل می‌دهد. این اصل نشان می‌دهد که قانون‌گذار اساسی اصل را بر آزادی قرار داده و محدودیت‌ها را به‌صورت استثنایی بیان نموده است. علاوه بر اصل ۲۷، اصولی همچون اصل ششم (مشارکت عمومی)، اصل نهم (ممنوعیت تحدید آزادی‌های مشروع به نام امنیت)، اصل بیست‌وسوم (منع تفتیش عقاید)، اصل بیست‌وچهارم (آزادی مطبوعات) و اصل بیست‌وششم (آزادی احزاب) نیز به‌طور غیرمستقیم بر حمایت از آزادی‌های عمومی و مشارکت اجتماعی تأکید دارند.

۱-۳-۳- مبانی نظم عمومی و امنیت عمومی

یکی دیگر از مبانی مهم سیاست جنایی در قبال اجتماعات، ضرورت حفظ نظم عمومی و امنیت عمومی است. هیچ

۱-۳-۵- مبانی پیشگیری از جرم و مدیریت تعارضات اجتماعی

در رویکردهای نوین سیاست جنایی، اجتماعات صرفاً از منظر کنترل کیفری مورد بررسی قرار نمی‌گیرند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرم و مدیریت تعارضات اجتماعی نیز مورد توجه قرار دارند. بسیاری از ناراضی‌های اجتماعی در صورت وجود سازوکارهای قانونی برای بیان مطالبات، در قالب اجتماعات مسالمت‌آمیز مطرح می‌شوند. این امر موجب می‌شود تنش‌های اجتماعی پیش از آن‌که به خشونت، آشوب یا رفتارهای مجرمانه تبدیل شوند، در چارچوب‌های قانونی مدیریت گردند. از این منظر، حمایت از آزادی اجتماعات می‌تواند یکی از راهکارهای پیشگیری اجتماعی از جرم محسوب شود. در مقابل، محدودسازی بی‌ضابطه اجتماعات ممکن است موجب انباشت ناراضی‌ها و افزایش احتمال بروز واکنش‌های غیرقانونی گردد. بنابراین سیاست جنایی کارآمد باید اجتماعات را نه صرفاً یک مسأله امنیتی، بلکه یکی از ابزارهای مدیریت مسالمت‌آمیز اختلافات و پیشگیری از بحران‌های اجتماعی تلقی نماید (حسینی، ۱۳۸۱: ۷۰).

۱-۳-۶- مبانی تطبیقی

«برای غنای تحلیلی، بررسی تطبیقی سیاست جنایی ایران با کشورهای منطقه و نظام‌های حقوقی پیشرو حائز اهمیت است. در نظام حقوقی ترکیه، قانون تجمعات و راهپیمایی‌ها (مصوب ۱۹۸۳ با اصلاحات بعدی) ضمن شناسایی حق اجتماع، معیارهای روشنی برای تفکیک تجمعات مسالمت‌آمیز از رفتارهای مجرمانه ارائه کرده است. در نظام حقوقی فرانسه، قانون آزادی اجتماعات عمومی (مصوب ۱۹۰۱) با اصلاحات متعدد، سازوکار شفاف برای اطلاع‌رسانی پیشین و نظارت قضایی بر تصمیمات اداری پیش‌بینی کرده است. در نظام حقوقی انگلستان، قانون نظم عمومی (Public Order Act, 1986) با رویکرد افتراقی، میان جرایم هیجانی و سازمان‌یافته تفکیک قائل شده است.»

این تجارب تطبیقی نشان می‌دهد که جرم‌انگاری مستقل جرایم هیجانی و تفکیک آن از جرایم امنیتی، نه‌تنها با اصول حقوق کیفری در تعارض نیست، بلکه در نظام‌های حقوقی

جامعه‌ای بدون وجود حداقلی از نظم و امنیت قادر به استمرار حیات اجتماعی و تضمین حقوق شهروندان نخواهد بود (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). اجتماعات گسترده، به‌ویژه در فضاهای عمومی ممکن است آثار مختلفی بر نظم اجتماعی، امنیت شهروندان، حمل‌ونقل شهری و فعالیت نهادهای عمومی داشته باشند. از این‌رو دولت‌ها موظف‌اند تدابیر لازم را برای حفظ امنیت شرکت‌کنندگان و سایر شهروندان اتخاذ نمایند. در این چارچوب، نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط اجرایی، وظیفه تأمین نظم محل تجمع، جلوگیری از بروز ناآرامی و در صورت لزوم، اجرای دستور انحلال تجمع را برعهده دارد، البته در نظام‌های حقوقی مبتنی بر حاکمیت قانون، حفظ نظم عمومی نباید بهانه‌ای برای محدودسازی غیرضروری آزادی اجتماعات باشد. اصل تناسب اقتضا می‌کند که هرگونه محدودیت صرفاً در حدی اعمال شود که برای حفظ نظم و امنیت ضرورت داشته باشد.

۱-۳-۴- مبانی مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی

اجتماعات یکی از مهم‌ترین ابزارهای مشارکت شهروندان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شوند. در نظام‌های مردم‌سالار، مشارکت عمومی صرفاً به حضور در انتخابات محدود نمی‌شود، بلکه شهروندان باید امکان داشته باشند دیدگاه‌ها، انتقادات و مطالبات خود را در عرصه عمومی مطرح نمایند. اجتماعات قانونی و مسالمت‌آمیز امکان ارتباط مستقیم میان جامعه و حاکمیت را فراهم می‌آورند و نقش مهمی در افزایش مشروعیت سیاسی، تقویت اعتماد عمومی و ارتقای سرمایه اجتماعی دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). بر همین اساس، یکی از مبانی اساسی سیاست جنایی در قبال اجتماعات، حمایت از مشارکت سیاسی شهروندان و فراهم‌نمودن بسترهای قانونی برای بیان مطالبات عمومی است، هرچه امکان مشارکت قانونی شهروندان بیشتر باشد، احتمال توسل به شیوه‌های غیرقانونی برای بیان مطالبات نیز کاهش خواهد یافت.

سلب کامل مسؤولیت کیفری نیست، اما می‌تواند در مرحله تعیین مجازات، به‌عنوان جهتی برای تخفیف یا تحول در نوع واکنش (از کیفر به تدابیر تأمینی و تربیتی) مورد توجه قرار گیرد.

مرتکبان جرایم هیجانی اغلب افرادی هستند که در شرایط عادی هیچ‌گونه گرایش به ارتکاب جرم ندارند و سابقه کیفری مشخصی نیز ندارند. آنچه آن‌ها را به سمت رفتارهای مجرمانه سوق می‌دهد، عمدتاً فضای ملتهب جمعی، احساسات گروهی و فقدان کنترل رفتاری در شرایط بحرانی است.

با این حال، هیجانی‌بودن به خودی خود، نه عامل توجیه‌کننده جرم است و نه لزوماً موجب تخفیف مجازات می‌شود. آنچه در سیاست جنایی مطلوب اهمیت دارد، تفکیک دقیق جرایم هیجانی محدود و فاقد قصد مجرمانه خاص از جرایم سازمان‌یافته و امنیتی است و نیز رعایت اصل تناسب در واکنش به آن‌ها (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۲۵۵).

هیجانی‌بودن یک رفتار، نمی‌تواند به‌معنای توجیه کامل آن یا نادیده‌گرفتن آثار زیان‌بار آن باشد، اما می‌تواند در تعیین میزان مسؤولیت کیفری و نوع واکنش مناسب، مورد توجه قرار گیرد. به‌عبارت دیگر، یک رفتار هیجانی که منجر به تخریب اموال عمومی یا ضرب و جرح می‌شود، همچنان یک جرم محسوب می‌شود و نیاز به پاسخ کیفری دارد، اما این پاسخ باید متناسب با شرایط روانی مرتکب و ماهیت واکنشی رفتار او باشد.

۲-۲-۲- معیارهای تمیز جرایم هیجانی از سایر جرایم
برای تفکیک جرایم هیجانی از سایر رفتارهای مجرمانه (عادی، سازمان‌یافته و امنیتی)، می‌توان معیارهای پنج‌گانه ذیل را ارائه داد:

۲-۲-۲-۱- معیار برنامه‌ریزی

جرایم هیجانی فاقد هرگونه طرح، نقشه یا تمهیدات قبلی هستند، درحالی‌که جرایم سازمان‌یافته و امنیتی براساس یک طرح از پیش طراحی‌شده صورت می‌گیرند.

۲-۲-۲-۲- معیار ساختار و تشکیلات

در جرایم هیجانی، خبری از سلسله‌مراتب فرماندهی، تقسیم کار یا تشکیلات سازمانی نیست، اما جرایم سازمان‌یافته و

پیشرفته به‌عنوان یک رویکرد استاندارد پذیرفته شده است. استفاده از این تجارب در تدوین قانون جامع اجتماعات در ایران، می‌تواند از بروز چالش‌های موجود جلوگیری نماید.

۲- مفهوم و ماهیت جرایم هیجانی در زمان اجتماعات

پس از تبیین چارچوب نظری سیاست جنایی و مبانی حاکم بر آن، اکنون نوبت به بررسی مفهوم و ماهیت جرایم هیجانی به‌عنوان موضوع اصلی این پژوهش می‌رسد. درک دقیق از چیستی، ویژگی‌ها و اقسام این دسته از جرایم، پیش‌نیاز هرگونه تحلیل درباره سیاست جنایی مطلوب در قبال آن‌هاست. ازاین‌رو در این بخش، ابتدا تعریف جرایم هیجانی و سپس اقسام آن‌ها در بستر اجتماعات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- تعریف جرایم هیجانی

جرایم هیجانی به دسته‌ای از رفتارهای مجرمانه اطلاق می‌شود که تحت تأثیر هیجانات شدید فردی یا جمعی، بدون برنامه‌ریزی قبلی و در واکنش به محرک‌های آنی ارتکاب می‌یابند. ویژگی اصلی این جرایم، غلبه احساسات بر عقلانیت و ضعف در کنترل رفتار است. در اجتماعات و راهپیمایی‌ها، پدیده‌هایی نظیر تحریک جمعی، سرایت هیجان، فشار گروهی و احساس بی‌نامی، زمینه ارتکاب چنین جرایمی را تقویت می‌کند (گسن، ۱۳۷۴: ۱۱۷؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

از منظر جرم‌شناسی، این دسته از جرایم تفاوت ماهوی با جرایم سازمان‌یافته یا امنیتی دارند، درحالی‌که جرایم امنیتی غالباً مبتنی بر قصد قبلی، سازماندهی و هدف‌گذاری مشخص هستند، جرایم هیجانی معمولاً فاقد چنین عناصر ذهنی‌اند و بیشتر محصول شرایط محیطی و روانی خاص می‌باشند (حسینی، ۱۳۷۶: ۴۳).

از منظر حقوق کیفری، جرایم هیجانی با ضعف یا زوال نسبی عنصر قصد مجرمانه مشخص می‌شوند. به‌عبارت دیگر، در این جرایم، عنصر روانی مرتکب دچار اختلال موقتی و محیط‌زاد می‌گردد که در نتیجه آن، رفتار مجرمانه نه از روی تصمیم‌گیری عقلایی، بلکه در واکنش به محرک‌های ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی رخ می‌دهد. این ویژگی، هرچند به‌معنای

امنیتی، مبتنی بر یک ساختار مشخص و منسجم شکل می‌گیرند.

۲-۲-۳- معیار دوام و تداوم

جرایم هیجانی، رفتارهایی آنی، مقطعی و ناپایدار هستند و معمولاً با پایان یافتن تنش محیطی، رفتار مجرمانه نیز خاتمه می‌یابد، اما جرایم سازمان‌یافته و امنیتی دارای استمرار و دوام زمانی هستند.

۲-۲-۴- معیار هدف نهایی

جرایم هیجانی فاقد هدف سیاسی یا براندازانه هستند و صرفاً در واکنش به یک محرک محیطی رخ می‌دهند، درحالی‌که جرایم امنیتی، هدف مشخصی را برای مقابله با نظام یا تغییر ساختار سیاسی دنبال می‌کنند.

۲-۲-۵- معیار گستره و دامنه رفتار

جرایم هیجانی معمولاً محدود به یک مکان و زمان خاص هستند و گستره جغرافیایی وسیعی ندارند، درحالی‌که جرایم سازمان‌یافته و امنیتی می‌توانند دامنه گسترده‌ای داشته باشند.

۲-۳-۱- اقسام جرایم هیجانی در اجتماعات

جرایم هیجانی ارتكابی در اجتماعات می‌توانند اشکال مختلفی به خود بگیرند، از جمله:

۲-۳-۱-۱- جرایم علیه اشخاص

مانند ضرب و جرح (ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات) یا توهین (ماده ۶۰۹) که در اثر هیجانات لحظه‌ای و درگیری‌های لفظی یا فیزیکی در حاشیه اجتماعات رخ می‌دهند. این جرایم معمولاً ناشی از برخوردهای آنی میان معترضان و نیروهای انتظامی یا میان گروه‌های مختلف حاضر در اجتماع است و فاقد برنامه‌ریزی قبلی می‌باشد.

۲-۳-۱-۲- جرایم علیه اموال عمومی یا خصوصی

نظیر تخریب (ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات) یا آتش‌سوزی که غالباً در واکنش به احساسات جمعی و بدون برنامه‌ریزی قبلی صورت می‌گیرند. این نوع جرایم معمولاً در شرایطی رخ می‌دهند که جمعیت به دلیل نارضایتی عمیق از وضعیت موجود، کنترل خود را از دست داده و اقدام به تخریب اموال عمومی یا خصوصی می‌نمایند، هرچند این رفتارها از

نظر حقوقی قابل سرزنش هستند، اما معمولاً فاقد عنصر برنامه‌ریزی و سازماندهی هستند و بیشتر به‌عنوان واکنشی هیجانی به شرایط محیطی قابل تحلیل هستند.

۲-۳-۲- جرایم علیه نظم عمومی

جرایم علیه نظم عمومی مانند ایجاد هیاهو، انسداد معابر یا مقاومت در برابر مأموران (ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات) که ازجمله شایع‌ترین جرایم در بستر اجتماعات هستند. این جرایم که مستقیماً با نظم و آرامش عمومی در ارتباط هستند، ممکن است در اثر تجمع گسترده افراد و عدم مدیریت صحیح جمعیت رخ دهند، هرچند این رفتارها می‌توانند نظم عمومی را مختل کنند، اما در بسیاری از موارد، مرتکبان آن‌ها فاقد قصد قبلی برای برهم‌زدن نظم هستند و رفتارشان بیشتر ناشی از فضای ملتهب جمعی است.

وجه مشترک این جرایم، فقدان قصد مقابله سازمان‌یافته با حاکمیت و عدم تحقق عناصر لازم برای اطلاق عناوین شدید کیفری است. با این حال، در سیاست جنایی ایران، مرز میان این رفتارها و جرایم امنیتی به‌روشنی ترسیم نشده و همین امر زمینه‌ساز برخوردهای شدید و نامتناسب شده است. برخی رفتارهای هیجانی ممکن است به حدی از شدت برسند که با عناوین کیفری دیگر (غیر از عناوین حدی و امنیتی سنگین) قابل تعقیب باشند و یا در موارد استثنایی، در صورت تحقق شرایط خاص قانونی، مشمول جرایم شدیدتر گردند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). بنابراین آنچه در سیاست جنایی مطلوب اهمیت دارد، تفکیک دقیق میان انواع جرایم براساس شدت، گستردگی، وجود یا عدم وجود برنامه‌ریزی قبلی و نقش مرتکبان است.

هرچند این رفتارها می‌توانند نظم عمومی را مختل کنند و مصداق اغتشاش محسوب شوند، اما در بسیاری از موارد، مرتکبان آن‌ها فاقد قصد قبلی برای اغتشاش سازمان‌یافته هستند و رفتارشان بیشتر ناشی از فضای ملتهب جمعی است. ازاین‌رو این رفتارها را باید در زمره جرایم هیجانی (و نه اغتشاش سازمان‌یافته یا اقدام علیه امنیت) طبقه‌بندی کرد تا پاسخ متناسب با ماهیت آن‌ها ارائه گردد، نتیجتاً مهم‌ترین چالش در سیاست جنایی ایران، نبود تمایز روشن میان جرایم

تشکیل اجتماعات باید در چارچوب اصول و ارزش‌های مقرر در قانون اساسی تفسیر و اجرا شوند. از این رو بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال اجتماعات بدون تحلیل جایگاه قانون اساسی امکان‌پذیر نخواهد بود.

اصل ۲۷ قانون اساسی، مهم‌ترین مبنای حقوقی آزادی اجتماعات را تشکیل می‌دهد و بیان می‌دارد: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.» این اصل از حیث شناسایی حق در بالاترین سطح هنجاری، نقطه قوتی محسوب می‌شود، اما ابهام در مفاهیم کلیدی آن مانند «مبانی اسلام» و سکوت درخصوص نظام حقوقی حاکم بر صدور مجوز، زمینه‌ساز تفسیرهای محدودکننده شده است (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

بررسی مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نشان می‌دهد که اصل ۲۷ با هشت تغییر و بازبینی به شکل نهایی خود رسیده است. این تغییرات نشان‌دهنده حساسیت بالای موضوع آزادی اجتماعات در نظام حقوقی ایران و تلاش برای ایجاد توازن میان آزادی و نظم عمومی است (مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، ۱۳۶۴). در این مذاکرات، برخی نمایندگان آزادی را نه به عنوان یک حق ذاتی و انسانی، بلکه به مثابه لطف یا بخششی از سوی حاکمیت به مردم ارزیابی می‌کردند. این نگاه می‌تواند ریشه بسیاری از چالش‌های نظری و عملی در حوزه اجتماعات در ایران باشد، زیرا میان دو تفسیر «حق بودن» و «امتیاز بودن» اجتماعات همواره نزاع وجود داشته است.

علاوه بر اصل ۲۷، اصول متعدد دیگری نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر سیاست جنایی تقنینی در حوزه اجتماعات تأثیرگذار هستند. اصل ششم قانون اساسی که اداره امور کشور را متکی بر آرای عمومی می‌داند، یکی از مبانی مشارکت سیاسی شهروندان محسوب می‌شود. اجتماعات و راهپیمایی‌ها نیز یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ابراز اراده عمومی و مشارکت شهروندان در عرصه عمومی به شمار می‌روند. اصل نهم قانون اساسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطابق این اصل، هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال

هیجانی علیه نظم عمومی و جرایم امنیتی است، درحالی که جرایم هیجانی فاقد عناصر چهارگانه فوق (برنامه‌ریزی، ساختار، دوام و هدف سیاسی) هستند، رویه قضایی و تقنینی موجود، اغلب این رفتارها را با جرایم امنیتی یکسان تلقی کرده و پاسخ‌های شدید و نامتناسب اعمال می‌نماید. این در حالی است که براساس معیارهای یادشده، صرف تخریب اموال یا ایجاد هیاهو در یک تجمع، بدون وجود سازمان‌دهی و قصد قبلی برای مقابله با نظام، نمی‌تواند در زمره جرایم امنیتی طبقه‌بندی شود.

۳- سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم هیجانی

سیاست جنایی تقنینی ایران در این حوزه، بیش از آن که مبتنی بر جرم‌انگاری شفاف و تفکیک‌گرایانه باشد، بر استفاده از عناوین کلی و بعضاً مبهم استوار است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عنوان مستقلی درخصوص جرایم ناشی از اجتماعات پیش‌بینی نکرده و این امر، مراجع قضایی را به توسل به مواد مربوط به جرایم علیه امنیت داخلی، نظم عمومی یا اجتماع و تبانی سوق داده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۵۰). این رویکرد، با اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری در تعارض قرار می‌گیرد و می‌تواند به تفسیرهای موسع و سلیقه‌ای منجر شود. نتیجه این وضعیت، نادیده گرفته شدن معیارهای تفکیک‌کننده یادشده (فقدان برنامه‌ریزی، سازمان‌یافتگی، دوام و هدف سیاسی) در فرآیند دادرسی است و عملاً، هرگونه رفتاری در حاشیه اجتماعات - حتی بدون داشتن این معیارها - می‌تواند تحت عناوین کلی امنیتی مورد تعقیب قرار گیرد. این امر نه تنها با اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری در تعارض است، بلکه به نقض حقوق شهروندی می‌انجامد که صرفاً تحت تأثیر هیجانات لحظه‌ای مرتکب رفتارهای محدودی شده‌اند.

۳-۱- چارچوب قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین منبع سیاست جنایی تقنینی در حوزه حقوق و آزادی‌های عمومی، از جمله آزادی تشکیل اجتماعات محسوب می‌شود. تمامی قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و اقدامات اجرایی مرتبط با

نباشد، آزاد است...». براساس بند «خ» ماده ۱۳ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵، احزاب دارای پروانه فعالیت از حق «برگزاری راهپیمایی‌ها و تشکیل اجتماعات حسب مورد با اطلاع و صدور مجوز وزارت کشور و استانداری» برخوردار می‌شوند. همچنین تبصره ۱ ماده ۱۳، دبیران کل احزاب را موظف کرده است که «حداقل ۲۲ ساعت قبل از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها مراتب را به اطلاع مسؤولان ذی‌ربط برسانند». تبصره ۲ نیز بر تدوین آیین‌نامه اجرایی توسط وزارت کشور و تصویب آن در هیأت وزیران تأکید داشته است. این قانون، برخلاف قانون پیشین (مصوب ۱۳۶۰) که در تبصره ۲ ماده ۶ خود به‌صراحت به‌نحوه برگزاری اجتماعات پرداخته و برگزاری راهپیمایی‌ها را با اطلاع وزارت کشور و تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی را با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد دانسته بود، هیچ مقرره‌ای درخصوص نحوه برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها برای عموم شهروندان ندارد و با نسخ صریح قانون سال ۱۳۶۰ (ماده ۲۳ قانون جدید)، عملاً قانون اساسی مرجع باقی می‌ماند.

قابل ذکر است که طی سال‌های اخیر، طرحی درخصوص نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها در مجلس مطرح بوده، اما مدت‌هاست که مسکوت مانده و ظاهراً از اولویت خارج شده است. پیامد این وضعیت، انسداد اجتماعی در عرصه بیان اعتراض است که می‌تواند به‌طور ناگهانی به شورش‌های جمعیتی در قالب مطالبات مدنی بینجامد. همچنین براساس این قانون، احزاب و گروه‌های سیاسی باید التزام خود را به قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه به‌صراحت اعلام کنند.

نکته قابل تأمل آن‌که براساس این قانون، حق برگزاری راهپیمایی و اجتماعات صرفاً به احزاب دارای پروانه فعالیت اعطا شده است و برای عموم شهروندان (مانند صنف، تشکل‌های مردم‌نهاد و گروه‌های صنفی کارگری) هیچ سازوکار قانونی مشخصی برای برگزاری تجمعات پیش‌بینی نشده است. این خلأ قانونی، که حتی در قانون پیشین مصوب ۱۳۶۰ نیز وجود نداشت، عملاً بسیاری از گروه‌های اجتماعی

و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع مردم را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. این اصل بیانگر آن است که قانون‌گذار اساسی میان امنیت و آزادی رابطه‌ای متوازن برقرار نموده و هیچ‌یک را فدای دیگری نکرده است. اصل بیست‌وسوم قانون اساسی که تفتیش عقاید را ممنوع اعلام می‌کند نیز ارتباط نزدیکی با آزادی اجتماعات دارد. بسیاری از اجتماعات در واقع وسیله‌ای برای بیان عقاید، انتقادات و دیدگاه‌های شهروندان هستند. بنابراین حمایت از آزادی عقیده و منع تفتیش آن، زمینه‌ساز حمایت از اجتماعات نیز خواهد بود.

۳-۲- قوانین عادی مرتبط

هرچند اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی مرتبط با اجتماعات منوط به «عدم اخلال به مبانی اسلامی» است، اما قوانین عادی می‌توانند با تفسیر مضیق از مبانی اسلام، زمینه‌ساز گسترش آزادی‌های اساسی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و فردی شوند. با این حال، قوانین عادی برای تأیید نهایی باید از مسیر شورای نگهبان عبور کنند.

۳-۲-۱- قانون فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی (مصوب ۱۳۹۵)

مهم‌ترین قانون عادی مرتبط با تشکیل اجتماعات در ایران، قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی است. این قانون که جایگزین قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰ شده است، علاوه بر تنظیم نحوه تأسیس و فعالیت احزاب، مقرراتی را نیز درخصوص برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها پیش‌بینی نموده است. فلسفه اصلی این قانون، ایجاد سازوکاری برای ساماندهی فعالیت‌های سیاسی و مدنی در چارچوب نظم حقوقی کشور است. قانون‌گذار تالش نموده است از یک‌سو امکان فعالیت قانونی احزاب و گروه‌های سیاسی را فراهم آورد و از سوی دیگر از بروز بی‌نظمی‌ها و تنش‌های اجتماعی جلوگیری نماید. این قانون در تبصره ۲ ماده ۶ مقرر می‌دارد: «برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور و بدون حمل سلاح، در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ منحل به مبانی اسلام

ماده ۶۱۸: ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مقرر می‌دارد: «هرکس با هیاهو و جنجال و یا حرکات غیرمعتارف یا تعرض به افراد، موجب اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد... به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

این ماده نیز، از جمله پُرکاربردترین، منعطف‌ترین و در عین حال، چالش‌برانگیزترین مواد قانونی در مواجهه با اجتماعات و اعتراضات خیابانی است. مفهوم «هیاهو و جنجال» و «حرکات غیرمعتارف» به شدت کلی، مبهم و فاقد هرگونه معیار عینی سنجش است. در یک اجتماع اعتراضی مسالمت‌آمیز، فریادزدن شعارها، بلندکردن صدا برای ابراز مخالفت و ایجاد فضایی پرشور و پرتحرک، امری کاملاً طبیعی، ذاتی و قابل پیش‌بینی است و حتی می‌توان آن را جوهره اصلی هرگونه تجمع اعتراضی به‌شمار آورد. با این حال، رویه قضایی موجود، در برخی موارد، شعارهای اعتراضی بلند را از مصادیق «هیاهو و جنجال» و در نتیجه، موجب اخلال در نظم عمومی تلقی کرده است.

ماده ۵۰۰: «هرکس به هر نحو، فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.» در ادبیات حقوقی، «فعالیت» بر یک فرایند مستمر، برنامه‌ریزی شده، هدفمند و دارای دوام و تداوم دلالت دارد و با یک اقدام مقطعی، اتفاقی یا یک‌باره، تفاوت ماهوی دارد. بنابراین صرف یک بار اقدام تبلیغی (مثلاً سردادن یک شعار اعتراضی بلند در یک تجمع یا نوشتن یک جمله انتقادی در شبکه اجتماعی) نمی‌تواند مصداق «فعالیت» باشد. با این حال، رویه قضایی موجود، در این رابطه، متفاوت است.

این مواد به دلیل کلی‌گویی و ابهام در مفاهیم کلیدی، امکان تفسیر موسع و تسری به جرایم هیجانی را فراهم آورده‌اند (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۰). جرم‌انگاری اغتشاشات در این قوانین، برای جلوگیری از سوءاستفاده از اصل آزادی اجتماعات ضروری است، اما آن‌چه محل نقد است، ابهام در مفاهیم قانونی و تفسیر موسع آن‌هاست، نه اصل جرم‌انگاری (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۰۳). نکته مهم آن است که تشکیل اجتماع

را از حق قانونی خود برای اجتماع و اعتراض محروم کرده است. معاون سیاسی وزارت کشور نیز صراحتاً اعلام کرده است که: «در قوانین جاری کشور خلأ صدور مجوز تجمع و راهپیمایی برای اشخاص حقیقی وجود دارد و حق برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها منحصر در احزاب و گروه‌های سیاسی شده است.»

شایان ذکر است که در دی‌ماه ۱۴۰۴، کلیات طرح «حمایت از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها در اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی» با ۲۱۵ رأی موافق در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. همچنین ماده ۴ این طرح، وزارت کشور را موظف کرده است «سامانه مدیریت برخط اجتماع و راهپیمایی را در بستر شبکه ملی اطلاعات» حداکثر تا ۶ ماه پس از لازم‌الاجراشدن قانون راهاندازی نماید، هرچند این طرح هنوز به تأیید نهایی شورای نگهبان نرسیده، اما نشان‌دهنده عزم قانون‌گذار برای رفع خلأهای موجود و ایجاد سازوکار شفاف برای برگزاری تجمعات است.

۳-۲-۲- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)

هرچند قانون مجازات اسلامی فصل مستقلی را به جرم‌انگاری تشکیل اجتماعات اختصاص نداده است، اما برخی از عناوین مجرمانه مندرج در این قانون ممکن است در جریان تشکیل اجتماعات مطرح شوند. مواد پراستناد در این حوزه عبارتند از:

ماده ۶۱۰: ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مقرر می‌دارد: «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضدامنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند، در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.»

این ماده که یکی از پراستنادترین مواد در این حوزه است، به دلیل تفسیر موسع از مفاهیم «اجتماع» و «تبانی»، امکان تسری آن به اجتماعات کاملاً مسالمت‌آمیز را نیز فراهم کرده است.

به‌عنوان یک حق، امری مشروع، قانونی و مطلوب در نظام‌های مردم‌سالار تلقی می‌شود.

۴-۱-۲- تجمع

به رخداد عینی و فیزیکی گردآمدن افراد در یک مکان و زمان مشخص، برای هدفی معین، اعم از اعتراضی، شادی، سوگواری یا غیر آن، اطلاق می‌شود. تجمع، در واقع مصداق عینی و بستر تحقق حق اجتماع است. تجمعات می‌توانند با مجوز (قانونی) یا بدون مجوز (غیرقانونی) برگزار شوند.

تمایز کلیدی این است که اجتماع یک حق است، اما تجمع، فعلی تحقق آن حق در عالم خارج است.

۴-۱-۳- اعتراض

به محتوای پیام و هدف تجمع اطلاق می‌شود که معمولاً در قالب مطالبه‌گری، نقد عملکرد حاکمیت یا اعلام مخالفت با یک رویه خاص بروز می‌یابد. اعتراض، می‌تواند در قالب یک تجمع مسالمت‌آمیز (اعتراض قانونی) یا در قالب رفتارهای خشن و غیرقانونی (اعتراض غیرقانونی) ظهور یابد. تمایز کلیدی: اعتراض، محتوای پیام را مشخص می‌کند و لزوماً به‌معنای رفتار مجرمانه نیست.

۴-۱-۴- اغتشاش

به رفتارهای ناهنجار، خشن و غیرقانونی اطلاق می‌شود که نظم عمومی را به‌شدت مختل کرده و جنبه مجرمانه پیدا می‌کند. اغتشاش، برخلاف اعتراض، فاقد مشروعیت حقوقی است و اساساً به‌عنوان یک پدیده مجرمانه (نه یک حق) تلقی می‌شود. تمایز کلیدی: اعتراض (محتوا) با اغتشاش (رفتار مجرمانه) تفاوت ماهوی دارد و یک تجمع اعتراضی مسالمت‌آمیز، به هیچ وجه مصداق اغتشاش نیست.

۴-۱-۵- جرم هیجانی

که موضوع اصلی این پژوهش است، به نوع خاصی از رفتار مجرمانه اطلاق می‌شود که در بستر تجمعات و تحت تأثیر هیجانات جمعی، آنی و بدون برنامه‌ریزی قبلی رخ می‌دهد. این جرایم، اگرچه می‌توانند مصداق اغتشاش نیز باشند، اما به‌دلیل فقدان عناصر جرایم سازمان‌یافته و امنیتی (برنامه‌ریزی، ساختار، دوام و هدف سیاسی)، نیازمند پاسخ

به‌خودی‌خود جرم محسوب نمی‌شود و صرف حضور افراد در یک اجتماع نمی‌تواند مبنای مسؤولیت کیفری قرار گیرد. مسؤولیت کیفری تنها زمانی قابل تصور است که رفتار مشخصی مطابق اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها در قانون جرم‌انگاری شده باشد. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین الزامات سیاست جنایی تقنینی آن است که میان «حق تشکیل اجتماع» و «رفتارهای مجرمانه احتمالی در حاشیه اجتماع» تفکیک قائل شود.

۴- سیاست جنایی قضایی ایران در قبال جرایم هیجانی

قوه قضاییه به‌عنوان یکی از سه قوه حاکم در جمهوری اسلامی ایران، نقشی محوری در تحقق سیاست جنایی کشور ایفا می‌کند. مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق عدالت و نظارت بر حسن اجرای قوانین است. در حوزه اجتماعات، این قوه از جهات گوناگون در فرآیند سیاست جنایی مشارکت دارد: از مرحله جرم‌انگاری و تفسیر قوانین تا مرحله دادرسی، صدور رأی و اجرای مجازات. پیچیدگی نقش قوه قضاییه در این حوزه از آنجا ناشی می‌شود که اجتماعات از یک‌سو به‌عنوان حقی بنیادین در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند و از سوی دیگر، ممکن است با نظم عمومی، امنیت و مبانی اسلامی در تعارض قرار گیرند (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۴-۱- شفاف‌سازی مفاهیم کلیدی و تمایز آن‌ها

پیش از ورود به بحث جرایم هیجانی در بستر اجتماعات، ضروری است میان مفاهیمی که در ادبیات حقوقی و عملیاتی این حوزه، گاه به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند، تفکیک مفهومی صورت پذیرد. این شفاف‌سازی، مبنای هرگونه تحلیل دقیق حقوقی و قضایی خواهد بود:

۴-۱-۱- اجتماع

در مفهوم بنیادین خود، به حق شهروندان برای گردهمایی مسالمت‌آمیز و بیان مطالبات جمعی اطلاق می‌شود. این مفهوم ریشه در حقوق اساسی (اصل ۲۷ قانون اساسی) و اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارد و اساساً یک وضعیت حقوقی - هنجاری است، نه یک رویداد فیزیکی صرف. اجتماع

ایجاد توازن میان دو ارزش متعارض، یعنی امنیت عمومی و آزادی‌های مدنی است.

اصل ۹ قانون اساسی به صراحت هرگونه تحدید آزادی‌های مشروع به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی را ممنوع اعلام کرده است.

۴-۳- چالش‌های تفسیر قضایی

قاضی از آنجا که با تفسیر قوانین در پی کشف منظور قانون‌گذار است در این راه با چالش‌هایی مواجه است که ذیلاً به آن می‌پردازیم:

۴-۳-۱- ابهام در مفاهیم قانونی

مفاهیمی مانند «اخلال در نظم عمومی»، «امنیت عمومی»، «اجتماع و تبانی» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، ازجمله مفاهیمی هستند که به دلیل کلی بودن، ممکن است در موارد مختلف با برداشت‌های متفاوتی از سوی مراجع قضایی مواجه شوند. گستردگی بیش از حد این مفاهیم می‌تواند دامنه تفسیر قضایی را افزایش دهد و به صدور آرای متعارض منجر شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۲۵۶). شفافیت قانون از مهم‌ترین الزامات اصل حاکمیت قانون و امنیت حقوقی شهروندان محسوب می‌شود، زیرا شهروندان باید بتوانند حدود حقوق و تکالیف خود و نیز پیامدهای حقوقی رفتارهایشان را پیش‌بینی کنند. هر اندازه قوانین از دقت و صراحت بیشتری برخوردار باشند، امکان اعمال سلیقه شخصی در فرآیند تفسیر و اجرای قانون کاهش می‌یابد و وحدت رویه قضایی تقویت می‌شود.

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها که در اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است، اقتضا می‌کند که عناصر تشکیل‌دهنده جرم با بیشترین دقت و کمترین ابهام تعیین شوند. یکی از نتایج منطقی این اصل، ضرورت تفسیر مضیق قوانین کیفری است. به موجب این اصل، هرگونه تردید در شمول یا عدم شمول یک رفتار نسبت به عنوان مجرمانه باید به نفع متهم تفسیر شود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۱۹۸). برای نمونه، در رویه قضایی موجود، مفهوم «اخلال در نظم عمومی» در ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، تفاسیر بسیار متفاوتی یافته است. در برخی

افتراقی هستند. تمایز کلیدی: اغتشاش، یک مفهوم عام و گسترده است که شامل رفتارهای خشن عمدی، سازمان‌یافته و غیرهیجانی نیز می‌شود، اما جرم هیجانی، نوع خاصی از واکنش آنی و محیط‌زاد در بستر تجمعات است که با اغتشاش سازمان‌یافته تفاوت اساسی دارد.

۴-۲- نقش قوه قضاییه در سیاست جنایی مربوط به اجتماعات

قوه قضاییه در نظام جمهوری اسلامی ایران مسؤول تحقق عدالت، حمایت از حقوق عمومی، احیای حقوق شهروندان، نظارت بر اجرای صحیح قوانین و رسیدگی به تظلمات و شکایات است. از این رو این نهاد در حوزه اجتماعات دارای مسؤولیت‌های مهم و متعددی است. براساس اصول قانون اساسی، قوه قضاییه موظف است هم از آزادی‌های مشروع شهروندان حمایت نماید و هم در برابر جرایم و رفتارهای ناقض نظم عمومی واکنش قانونی نشان دهد. این دو وظیفه در حوزه اجتماعات گاه در تعارض ظاهری قرار می‌گیرند و همین موضوع اهمیت نقش دستگاه قضایی را افزایش می‌دهد.

سیاست جنایی قضایی به مجموعه تدابیر و رویه‌هایی اطلاق می‌شود که قوه قضاییه در چارچوب قوانین موجود برای پیشگیری از جرم، کنترل بزهکاری و پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه اتخاذ می‌کند. برخلاف سیاست جنایی تقنینی که توسط قوه مقننه طراحی می‌شود، سیاست جنایی قضایی عمدتاً در مرحله اجرا و تفسیر قوانین ظهور می‌یابد و به دلیل انعطاف‌پذیری بیشتر، تأثیر به‌سزایی در جهت‌گیری کلی سیاست جنایی یک کشور دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۱۶۷).

در نظام حقوقی ایران، قوه قضاییه از طریق سازوکارهای زیر در سیاست جنایی مشارکت می‌کند: صدور آرای وحدت رویه توسط دیوان عالی کشور، صدور نظریات مشورتی توسط اداره کل حقوقی قوه قضاییه، وضع دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های قضایی توسط رئیس قوه قضاییه، تفسیر قضایی قوانین توسط محاکم، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس و میانجی‌گری کیفری و نظارت بر زندان‌ها و اجرای مجازات‌ها. یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی قوه قضاییه در حوزه اجتماعات،

می‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۰۸). اردبیلی معتقد است که وحدت رویه قضایی یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق امنیت قضایی است و شهروندان باید بتوانند آثار حقوقی رفتار خود را تا حد معقول پیش‌بینی کنند. باوجود اصل ۲۷ قانون اساسی و تقیدات آن درخصوص آزادی اجتماعات، رویه قضایی محاکم کیفری ایران در مواجهه با پرونده‌های مرتبط با اجتماعات همواره یکسان نبوده و فراز و نشیب‌های قابل توجهی داشته است. این ناهماهنگی عمدتاً ناشی از سه عامل است: نخست، عدم تعریف دقیق و روشن از «اجتماعات» و «تجمعات» در قوانین عادی؛ دوم، ابهام در شمول مقررات کیفری بر انواع مختلف اجتماعات مسالمت‌آمیز، اعتراضی، سیاسی و صنفی؛ سوم، تقدم ملاحظات امنیتی در تفسیر قضایی از قوانین.

۳-۳-۴- عدم تفکیک نقش‌ها

رویه قضایی در برخورد با شرکت‌کنندگان در اجتماعات، اغلب میان رهبران و سازمان‌دهندگان با شرکت‌کنندگان عادی تمایز قائل نمی‌شود و این امر به صدور آرای یکسان و نامتناسب برای افراد با نقش‌های متفاوت منجر شده است.

بدیهی است چنان‌چه افرادی که صرفاً به‌عنوان تماشاگر یا همراه عاطفی معترضان در حاشیه یک تجمع حاضر شده‌اند، به همان شدت سازمان‌دهندگان اصلی تحت تعقیب و مجازات قرار بگیرند. این رویکرد با اصل شخصی‌بودن مجازات‌ها (که می‌گوید هرکس، تنها در قبال فعل مجرمانه خود مسؤول است) در تعارض است.

۴-۳-۴- تأثیرپذیری از ملاحظات امنیتی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست جنایی قضایی در حوزه اجتماعات، نفوذ نگاه امنیتی در ذهنیت قضات و کارکنان دستگاه قضایی است. این نگاه، که ریشه در تاریخ سیاسی معاصر ایران و نیز تهدیدات امنیتی متعددی دارد که کشور با آن‌ها مواجه بوده، موجب می‌شود که بسیاری از کنش‌های جمعی - حتی آن‌هایی که ماهیت مسالمت‌آمیز و کاملاً قانونی دارند - با سوءظن امنیتی مواجه شوند و به‌عنوان یک تهدید بالقوه برای امنیت ملی تلقی گردند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۲۴۸).

پرونده‌ها، صرفاً بلندکردن صدا برای بیان شعارهای اعتراضی در یک تجمع، مصداق «هياهو و جنجال» تلقی شده و منجر به صدور حکم حبس گردیده است، درحالی‌که در پرونده‌های مشابه دیگر، دادگاه‌ها چنین رفتاری را فاقد وصف مجرمانه تشخیص داده‌اند. این ناهماهنگی که در آرای صادره از شعب مختلف دادگاه‌های کیفری استان تهران قابل مشاهده است، نشان‌دهنده نبود معیارهای عینی و یکسان در تفسیر مفاهیم کلیدی است و قابلیت پیش‌بینی دادرسی را برای شهروندان به‌شدت کاهش می‌دهد.

شایان ذکر است که رویه قضایی ایران در موارد محدودی به تأثیر هیجانات بر مسؤولیت کیفری توجه داشته است. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در یکی از آرای وحدت رویه خود، به تأثیر رفتار ناموجه و تحریک‌آمیز مقتول بر قاتل توجه کرده و با تفسیر موسع از مواد قانونی، میان ارتکاب قتل در شرایط مختلف تفاوت قائل شده است، هرچند رأی وحدت رویه شماره ۷۴۲ مورخ ۱۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مستقیماً ناظر بر جرایم ناشی از اجتماعات نیست، اما نشان می‌دهد که نظام قضایی ایران ظرفیت شناسایی تأثیر حالات روحی و روانی بر مسؤولیت کیفری را دارد. در پرونده‌های مرتبط با اختلالات روانی، دیوان عالی کشور دادگاه‌ها را موظف به ارجاع پرونده به پزشکی قانونی برای بررسی تخصصی نموده است، این رویکرد، هرچند در حوزه جرایم فردی و اختلالات روانی بالینی شکل گرفته، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تفکیک جرایم هیجانی در بستر اجتماعات (که در آن‌ها نیز اراده و قصد مجرمانه تحت تأثیر هیجانات جمعی دچار اختلال موقت می‌شود) مورد توجه قرار گیرد و ضرورت پاسخ افتراقی به این جرایم را تقویت نماید.

۲-۳-۴- فقدان رویه قضایی منسجم

در پرونده‌های مربوط به اجتماعات، گاه مشاهده می‌شود که محاکم مختلف در تفسیر مفاهیمی مانند «اخلال در نظم عمومی»، «اقدام علیه امنیت» یا «اجتماع و تبانی» برداشت‌های متفاوتی ارائه می‌کنند. این تفاوت‌ها نه‌تنها موجب کاهش قابلیت پیش‌بینی نتایج دادرسی می‌شود، بلکه احساس تبعیض و بی‌عدالتی را نیز در میان شهروندان تقویت

استناد به اصل ۲۷، آزادی اجتماعات را به‌عنوان یک «حق» (نه یک «امتياز») تلقی کرده است؛ دوم آن که هرگونه محدودیت فراتر از دو شرط مصرح در اصل ۲۷ (عدم حمل سلاح و عدم اخلاص به مبانی اسلام) را فاقد وجاهت قانونی دانسته است. با این حال، تأثیر این رأی بر رویه عملی نهادهای اجرایی، به دلیل فقدان سازوکارهای نظارتی مؤثر و کُندی فرآیندهای قضایی، محدود بوده است و بسیاری از شهروندان همچنان با موانع اداری متعددی برای احقاق حق اجتماع خود مواجه هستند. این رأی نشان‌دهنده ظرفیت موجود در نظام حقوقی ایران برای حمایت از آزادی اجتماعات است، اما تحقق کامل آن نیازمند اقدامات تکمیلی در سطوح تقنینی و اجرایی است.

باوجود این اقدامات مثبت، دیوان عدالت اداری در حمایت از آزادی اجتماعات با محدودیت‌هایی مواجه است. نخستین محدودیت، عدم شمول صالحیت دیوان نسبت به آرای محاکم قضایی است. دیوان عدالت اداری صرفاً به تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی (اداری) رسیدگی می‌کند و نمی‌تواند به آرای دادگاه‌های کیفری در پرونده‌های مرتبط با اجتماعات ورود کند؛ دومین محدودیت، تراکم شدید پرونده‌ها در دیوان است که باعث می‌شود رسیدگی به شکایات با تأخیر قابل توجهی مواجه شود و در بسیاری از موارد، رأی دیوان پس از گذشت زمان طولانی صادر می‌شود که عملاً کارایی خود را از دست داده است.

۵- سیاست جنایی اجرایی ایران در قبال جرایم هیجانی

سیاست جنایی اجرایی در حوزه اجتماعات، به‌نحوه اجرای قوانین و تصمیمات در سطح نهادهای اداری و انتظامی مربوط می‌شود. در واقع، حتی اگر قوانین مناسب و رویه قضایی منسجم وجود داشته باشد، بدون اجرای صحیح و متوازن آن‌ها در سطح نهادهای اجرایی، اهداف سیاست جنایی محقق نخواهد شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۵۲). اهمیت سیاست جنایی اجرایی در حوزه اجتماعات از آنجا ناشی می‌شود که شهروندان در مواجهه با حق تشکیل اجتماعات، نخستین و مستقیم‌ترین برخورد خود با نظام حقوقی را از طریق نهادهای اجرایی تجربه می‌کنند. وزارت کشور، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها

این موضوع، بیش از آن که ناشی از نصوص قانونی باشد، ریشه در نوع نگرش به مفهوم «امنیت» و جایگاه آن در فرآیند تصمیم‌گیری قضایی دارد. در سیاست جنایی معاصر، امنیت و آزادی دو ارزش متقابل نیستند، بلکه دو مؤلفه مکمل محسوب می‌شوند. امنیت پایدار بدون احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان قابل تحقق نیست و آزادی نیز بدون وجود امنیت عمومی دوام نخواهد داشت. بنابراین، هرگونه سیاست جنایی که یکی از این دو مؤلفه را به‌طور مطلق بر دیگری ترجیح دهد، در بلندمدت با چالش مشروعیت مواجه خواهد شد.

۴-۴- نقش دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری به‌عنوان یکی از نهادهای زیرمجموعه قوه قضاییه، نقش مهمی در کنترل قضایی اقدامات و تصمیمات اداری، ازجمله تصمیمات مرتبط با اجتماعات ایفا می‌کند. این نهاد که مطابق اصل ۱۷۳ قانون اساسی تأسیس شده است، مرجع رسیدگی به شکایات و تظلمات از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی درخصوص حقوق شهروندی است.

صالحیت دیوان عدالت اداری در حوزه اجتماعات عمدتاً ناظر بر دو دسته از اقدامات و تصمیمات است: دسته اول، تصمیمات و اقدامات مقامات اداری و انتظامی درخصوص ممانعت از برگزاری اجتماعات، انحلال آن‌ها یا اعمال محدودیت‌های غیرقانونی؛ دسته دوم، تصمیمات و اقدامات مراجع اداری درخصوص عدم صدور مجوز برای تشکیل اجتماعات یا ابطال مجوزهای صادرشده. در این موارد، شهروندان و تشکلهای مدنی می‌توانند با مراجعه به دیوان عدالت اداری، نسبت به این تصمیمات اعتراض کرده و ابطال آن‌ها را خواستار شوند.

برای نمونه، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۱۲۷۰-۲۶/۶/۱۳۹۸، مصوبه شماره ۹۹۰۲/ت/۵۵۷۴۹-۹/۱۱/۱۳۹۷ هیأت وزیران را که براساس آن، برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها منوط به تعیین مکان خاص توسط مراجع اداری شده بود، به دلیل مغایرت با اصل ۲۷ قانون اساسی و سلب آزادی‌های مشروع شهروندان، ابطال کرد. این رأی از چند جهت حائز اهمیت است: نخست آن که دیوان با

و نیروی انتظامی، نهادهایی هستند که تصمیمات آن‌ها به‌طور مستقیم بر امکان یا عدم امکان تحقق حق آزادی اجتماعات تأثیر می‌گذارد.

۵-۱- نقش نهادهای اجرایی

نهادهای اجرایی مسؤول اجرای قوانین مرتبط با اجتماعات پیش از تشکیل اجتماع و در حین تشکیل آن هستند و نقش هریک در این زمینه بنا به حوزه جغرافیایی متفاوت و گاهی در طول هم و گاهی در عرض همدیگر است که ذیلاً به نقش آن‌ها می‌پردازیم.

۵-۱-۱- وزارت کشور

وزارت کشور به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجرایی در مدیریت اجتماعات، نقش محوری در سیاست جنایی اجرایی ایران ایفا می‌کند. این وزارتخانه مسؤولیت سیاست‌گذاری، هماهنگی و نظارت بر فرآیندهای مرتبط با تجمعات و راهپیمایی‌ها را برعهده دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۲۶۶). وزارت کشور در واقع حلقه واسطی میان دولت و مدیریت میدانی اجتماعات است و خط مشی‌های کلان در این حوزه را تعیین و به نهادهای تابعه ابلاغ می‌کند.

براساس قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ این قانون مصوب ۱۳۹۷ هیأت وزیران، کمیسیون ماده ۱۰ قانون مذکور در وزارت کشور متشکل از نمایندگان وزارت کشور، وزارت اطلاعات، دادگستری و نیروی انتظامی، وظیفه رسیدگی به درخواست‌های تأسیس و فعالیت تشکلهای سیاسی را برعهده دارد و هیأت‌های حل اختلاف موضوع ماده ۱۳ این قانون نیز به اختلافات ناشی از برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌های احزاب دارای پروانه فعالیت رسیدگی می‌کنند. وزارت کشور علاوه بر وظایف قانونی مصرح، نقش مهمی در تدوین خط مشی‌های کلی در قبال اجتماعات، بررسی درخواست‌های برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها و هماهنگی میان سایر نهادهای اجرایی، ازجمله استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و نیروی انتظامی ایفا می‌کند.

وظایف وزارت کشور در قبال اجتماعات عبارت است از:

۱- سیاست‌گذاری و تدوین دستورالعمل‌ها: وزارت کشور با تدوین دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های اجرایی، چارچوب نحوه برگزاری تجمعات و برخورد با آن‌ها را تعیین می‌کند. این دستورالعمل‌ها که گاه به‌صورت محرمانه به نهادهای زیرمجموعه ابلاغ می‌شود، تأثیر مستقیمی بر چگونگی مدیریت اجتماعات دارد. فقدان شفافیت در این دستورالعمل‌ها، بستر مناسبی برای تفسیرهای موسع و اعمال سلیقه‌های شخصی فراهم می‌آورد و امکان نظارت عمومی بر فرآیند تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد. براساس ماده ۴ طرح جدید مجلس (طرح حمایت از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها)، وزارت کشور موظف شده است با همکاری دیگر اعضای شورای امنیت کشور و دیوان عدالت اداری، سامانه مدیریت برخط اجتماع و راهپیمایی را در بستر شبکه ملی اطلاعات راه‌اندازی نماید. ارائه خدمات این سامانه برای عموم اشخاص حقیقی و حقوقی از طریق پنجره ملی خدمات دولت هوشمند انجام خواهد شد. این اقدام، در صورت تحقق، می‌تواند گامی مؤثر در جهت شفاف‌سازی فرآیندها و رفع خلأ قانونی موجود برای عموم شهروندان باشد.

۲- صدور مجوز تجمعات سراسری: در مواردی که تجمع ماهیت سراسری یا ملی دارد، وزارت کشور مستقیماً به موضوع ورود می‌کند و مجوز یا عدم مجوز را صادر می‌نماید. این اختیار ویژه وزارت کشور نشان‌دهنده تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌های حساس و دارای آثار ملی است. تجربه عملی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، این تعادل به نفع ملاحظات امنیتی برهم خورده و حق تجمعات مسالمت‌آمیز تحت‌الشعاع قرار گرفته است.

۳- هماهنگی میان نهادها: وزارت کشور وظیفه هماهنگی میان نهادهای مختلف، ازجمله نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، صدا و سیما و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط را درخصوص مدیریت اجتماعات برعهده دارد. این هماهنگی به‌ویژه در تجمعات بزرگ و سراسری اهمیت مضاعفی می‌یابد، زیرا هرگونه ناهماهنگی میان دستگاه‌ها می‌تواند به بروز تنش و ناآرامی منجر شود.

۵-۱-۲- استانداردها و فرمانداری‌ها

استانداردی‌ها و فرمانداری‌ها به‌عنوان نمایندگان عالی دولت در استان‌ها و شهرستان‌ها، نقش اصلی را در مدیریت عملی و روزمره درخواست‌های تشکیل اجتماعات ایفا می‌کنند. براساس ماده ۱۳ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و تبصره آن، دبیران کل احزاب موظفند حداقل هفتادودو ساعت قبل از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها مراتب را به اطلاع مسؤولان ذی‌ربط برسانند. با این حال، قانون مشخص نکرده است که اگر فرمانداری یا استانداری در این مهلت پاسخی ارائه نکند، آیا سکوت به‌منزله موافقت تلقی می‌شود یا رد درخواست. این خلأ قانونی، زمینه‌ساز تأخیرهای طولانی و سلیقه‌ای در پاسخگویی شده است. در طرح جدید مجلس (طرح حمایت از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها)، پیش‌بینی شده است که سامانه مدیریت برخط، فرآیندهای اداری مربوط به ثبت و پاسخگویی به درخواست‌ها را شفاف و نظام‌مند نماید. برای این منظور، کمیسیون ماده ۱۰ قانون مذکور در وزارت کشور، وظیفه رسیدگی به درخواست‌های تأسیس و فعالیت تشکلهای سیاسی را برعهده دارد و هیأت‌های حل اختلاف موضوع ماده ۱۳ این قانون نیز به اختلافات ناشی از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌های احزاب دارای پروانه فعالیت رسیدگی می‌کنند (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). وزارت کشور علاوه بر وظایف قانونی مصرح، نقش مهمی در تدوین خط‌مشی‌های کلی در قبال اجتماعات، بررسی درخواست‌های برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها و هماهنگی میان سایر نهادهای اجرایی، ازجمله استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و نیروی انتظامی ایفا می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که طرح قانون حمایت از اجتماعات و راهپیمایی‌ها در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است که در صورت تصویب، می‌تواند قانون جامعی برای برگزاری اجتماعات مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی فراهم آورد.

تجربه عملی نشان می‌دهد که عملکرد استانداری‌ها و فرمانداری‌ها در این حوزه با چالش‌های متعددی مواجه است. ازجمله تأخیر در پاسخگویی (مهلت قانونی پاسخگویی به درخواست‌ها اغلب رعایت نمی‌گردد و گاه پاسخ به درخواست‌ها بعد از تاریخ اعلامی برای برگزاری اجتماع ارائه

می‌شود)؛ شفافیت پایین (معیارهای رد یا تأیید درخواست‌ها به‌صورت شفاف به متقاضیان اعلام نمی‌شود و اغلب با پاسخ‌های کلی و غیرمستدل مواجه می‌شوند)؛ تأثیرپذیری از مالحظات فراقانونی (تصمیمات در حوزه صدور مجوزها به شدت تحت تأثیر مالحظات سیاسی و امنیتی قرار دارد و تأثیر ارزیابی‌های حقوقی و فنی در آن از سطح پایینی برخوردار است).

یکی از مهم‌ترین اختیارات استانداری‌ها و فرمانداری‌ها، تعیین مکان و زمان برگزاری تجمعات است. این اختیار که برای حفظ نظم و تأمین امنیت در نظر گرفته شده، عملاً می‌تواند به ابزاری برای محدودسازی یا بی‌اثرکردن تجمعات تبدیل گردد. تعیین مکان‌های دور از دسترس، ساعات نامناسب یا هم‌زمانی با رویدادهای خاص، ازجمله روش‌هایی است که گاه برای کاهش اثرگذاری تجمعات به کار گرفته می‌شود. تجربه نشان داده است که در برخی از شهرها، مکان‌های تعیین شده برای تجمعات در حاشیه شهرها و در فاصله قابل توجهی از مراکز تصمیم‌گیری قرار دارد که عملاً از تأثیر رسانه‌ای و اجتماعی تجمع می‌کاهد، هرچند تعیین مکان مشخص توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به‌موجب رأی هیأت عمومی صدرا اشاره خلاف قانون اساسی اعلام گردیده است.

به‌عنوان نمونه، ماده ۱۳ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و آیین‌نامه اجرایی آن، باوجود پیش‌بینی لزوم پاسخگویی به درخواست‌های برگزاری تجمع، مهلت مشخص و الزام‌آوری برای پاسخگویی مراجع اداری تعیین نکرده است. همچنین این قوانین تصریح نکرده‌اند که در صورت سکوت مرجع اداری در مهلت معقول، آیا این سکوت به‌منزله موافقت تلقی می‌شود یا رد درخواست. این خلأ قانونی، زمینه‌ساز تأخیرهای طولانی و سلیقه‌ای در پاسخگویی شده و عملاً بسیاری از متقاضیان را از امکان برگزاری تجمع در زمان مورد نظر خود محروم کرده است. تجربه عملی نشان داده که در موارد متعددی، پاسخ به درخواست‌ها پس از تاریخ اعلامی برای برگزاری اجتماع ارائه شده که این امر خود به نوعی «وتوی غیرمستقیم» حق تجمع تبدیل شده است.

۵-۱-۳- نیروی انتظامی

نیروی انتظامی به عنوان مهم ترین ضابط اجرایی مدیریت اجتماعات، نقشی تعیین کننده در سیاست جنایی اجرایی ایران ایفا می کند. این نهاد مسؤولیت تأمین نظم محل تجمع، جلوگیری از بروز ناآرامی و در صورت لزوم، اجرای دستور انحلال تجمع را برعهده دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۶۰). عملکرد نیروی انتظامی در این حوزه را می توان در سه مرحله قابل تفکیک بررسی کرد:

۱- مرحله پیش از برگزاری تجمع: در این مرحله، نیروی انتظامی با دریافت اطلاعات از استانداری یا فرمانداری درباره تجمعات مجاز، برنامه ریزی و آمادگی لازم را برای تأمین نظم فراهم می کند. این مرحله شامل ارزیابی ریسک، تعیین تعداد نیروی لازم، تجهیزات مورد نیاز و تدوین طرح عملیاتی است. ارزیابی دقیق ریسک در این مرحله می تواند از بسیاری از تنش ها و درگیری ها در مرحله اجرا جلوگیری کند.

۲- مرحله حین برگزاری تجمع: در زمان برگزاری تجمع، نیروی انتظامی مسؤول تأمین امنیت شرکت کنندگان، کنترل ترافیک، جلوگیری از درگیری میان گروه های مختلف و برخورد با هرگونه اقدام مغایر با قانون است. نحوه حضور و تعامل نیروی انتظامی با شرکت کنندگان در تجمع، تأثیر مستقیمی بر جو حاکم بر اجتماع دارد. در واقع، رفتار و عملکرد مأموران انتظامی در صحنه تجمع می تواند هم به کاهش تنش و هم به تشدید آن منجر شود.

۳- مرحله انحلال تجمع: در مواردی که تجمع غیرقانونی تشخیص داده شود یا از محدوده مجوز خارج شود، نیروی انتظامی مأمور اجرای دستور انحلال صادره از سوی مقام اداری (فرماندار یا استاندار) است. نحوه اجرای این مأموریت از حیث رعایت اصول تناسب و تدریج اهمیت ویژه ای دارد. براساس اسناد بین المللی مانند «کد رفتار برای مقامات اجرای قانون» (سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۷۹)، مقامات انتظامی موظف اند در برخورد با اجتماعات، نخست از روش های مسالمت آمیز و اقناعی استفاده کنند و تنها در صورت ضرورت مطلق و به عنوان آخرین راهکار، از نیروی فیزیکی استفاده نمایند. با این حال، در رویه عملی ایران، گزارش های متعددی

از برخوردهای فیزیکی گسترده و استفاده از نیروی نامتناسب در هنگام انحلال تجمعات وجود دارد.

درخصوص چگونگی اجرای دستور انحلال تجمعات، گرچه در اسناد بالادستی بر رعایت «اصل تناسب و تدریج» تأکید شده است، اما در عمل، چارچوب مشخص و عینی برای تشخیص میزان تناسب اقدامات نیروی انتظامی با سطح تهدید وجود ندارد. این فقدان معیارهای شفاف، به همراه نبود نظارت مؤثر و مستقل بر عملکرد مأموران در صحنه تجمع، موجب شده است که در برخی موارد، برخوردهای نامتناسب با شرکت کنندگان در تجمعات مسالمت آمیز رخ دهد و متأسفانه امکان پیگیری حقوقی و جبران خسارت برای شهروندان نیز به دلیل نبود سازوکارهای کارآمد، بسیار محدود است. عدم شفافیت در دستورالعمل های عملیاتی نیروی انتظامی که اغلب به صورت محرمانه به نهادهای زیرمجموعه ابلاغ می شود، ارزیابی و نظارت بر عملکرد این نهاد را با دشواری مواجه ساخته است.

۵-۲- چالش های اجرایی

مهم ترین دلایل چالش های امنیتی و اجتماعی در زمینه تشکیل اجتماعات به لحاظ ارتباط مستقیم و ابتدایی با اجتماع کنندگان روی می دهد که مهم ترین آن ها به شرح ذیل قابل ذکر است.

۵-۲-۱- فقدان شفافیت در فرآیند صدور مجوز

یکی از مهم ترین چالش های سیاست جنایی اجرایی، فقدان شفافیت در فرآیند صدور مجوز برای برگزاری تجمعات است. معیارهای موافقت یا مخالفت با درخواست ها به صورت دقیق و شفاف تبیین نشده است و این امر، زمینه افزایش اختلاف میان شهروندان و مراجع اداری را فراهم می کند (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

در حقوق اداری، تعیین مهلت مشخص برای تصمیم گیری مقامات اداری، یکی از جلوه های اصل پاسخگویی اداری و حکمرانی مطلوب می باشد. هرگاه قانون، مهلت معینی برای اتخاذ تصمیم پیش بینی نکند، مقام اداری می تواند با تأخیر در رسیدگی یا خودداری از اعلام نظر، عملاً مانع اعمال حق

عملاً تصمیمات مهم و کلیدی در سطح وزارت کشور و حتی سطوح بالاتر اتخاذ می‌گردد. این تمرکزگرایی، انعطاف‌پذیری نظام مدیریت اجتماعات را کاهش داده و پاسخگویی را با مشکل مواجه می‌نماید. همچنین شهروندان در استان‌های مختلف از فرصت‌های نابرابر برای تحقق حق تجمع برخوردارند که این امر با اصل برابری مندرج در اصل ۱۹ قانون اساسی و همچنین اصل ۲۰ آن سازگاری ندارد.

۵-۲-۴- فقدان سازوکارهای مؤثر جبران خسارت

در مواردی که به دلیل اقدامات نادرست نهادهای اجرایی، خسارتی به برگزارکنندگان یا شرکت‌کنندگان در تجمعات وارد می‌شود، سازوکارهای مؤثر و کارآمدی برای جبران خسارت وجود ندارد. این امر پاسخگویی را در عمل با چالش جدی مواجه کرده و ضمانت اجرای مؤثری برای رعایت حقوق شهروندان باقی نمی‌گذارد، به‌ویژه در موارد انحلال غیرقانونی تجمعات یا برخورد فیزیکی نامتناسب، امکان پیگیری حقوقی و مطالبه خسارت برای شهروندان بسیار محدود است. این خلأ باعث شده است که مسئولیت مدنی دولت در قبال اقدامات نهادهای اجرایی در عمل به‌ندرت محقق شود و شهروندان از بابت تخلفات صورت گرفته بی‌جبران باقی بمانند.

۶- نقد سیاست جنایی موجود و ضرورت بازنگری

نقد سیاست جنایی ایران در قبال جرایم هیجانی ناشی از اجتماعات، باتوجه به مطالبی که فوقاً در زمینه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی مطرح شد، می‌تواند مطالب ذیل را شامل گردد:

۶-۱- فقدان جرم‌انگاری مستقل و شفاف

قانون‌گذار ایران فاقد عنوان مجرمانه خاص برای جرایم هیجانی ناشی از اجتماعات است و این امر موجب توسل به عناوین کلی و موسع می‌شود (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). این وضعیت، نه تنها اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها را با چالش مواجه می‌سازد، بلکه پیش‌بینی‌پذیری نظام عدالت کیفری را نیز کاهش می‌دهد. شهروندان نمی‌توانند به‌درستی تشخیص دهند که چه رفتاری در یک اجتماع، جرم محسوب می‌شود و چه رفتاری در چارچوب قانونی مجاز است. این ابهام، خود می‌تواند به افزایش تنش‌ها و سوءتفاهم‌ها دامن بزند.

شهروندان شود، بدون آن‌که مسئولیت حقوقی روشنی متوجه وی شود، در نتیجه، حق برگزاری تجمع که مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی از حقوق بنیادین شهروندان است، در عمل به دلیل سکوت یا تعلل مرجع اداری بی‌اثر می‌گردد.

۵-۲-۲- نبود مهلت معین برای پاسخگویی

فقدان مهلت قانونی روشن و ضمانت اجرای مؤثر برای پاسخگویی مراجع اداری، یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش کارآمدی سازوکار قانونی برگزاری اجتماعات محسوب می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۲۷۰). قانون مشخص نکرده است که اگر فرمانداری یا استانداری در مهلت متعارف پاسخی ارائه نکند، آیا سکوت به منزله موافقت تلقی می‌شود یا رد درخواست محسوب می‌شود یا متقاضی حق دارد بدون پاسخ رسمی اقدام به برگزاری تجمع کند. این ابهام، امنیت حقوقی متقاضیان را مخدوش ساخته و امکان اعمال سلیقه یا ایجاد تأخیرهای غیرضروری را افزایش می‌دهد.

در لایحه «نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها» که به پیشنهاد معاونت حقوقی رییس‌جمهور و با قید یک فوریت به تصویب هیأت وزیران رسیده و جهت انجام تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است، مهلت قانونی برای پاسخگویی به درخواست‌ها به‌صراحت تعیین گردیده است. براساس ماده ۸ این لایحه، برگزارکننده موظف است درخواست خود را «حداکثر بیست‌روز و حداقل پنج‌روز کاری» پیش از زمان پیشنهادی برای برگزاری ثبت نماید.

با این حال، در قوانین فعلی (قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و آیین‌نامه اجرایی آن)، مهلت مشخصی برای پاسخگویی مراجع اداری تعیین نشده و قانون مشخص نکرده است که اگر فرمانداری یا استانداری در مهلت متعارف پاسخی ارائه نکند، آیا سکوت به منزله موافقت تلقی می‌شود، یا رد درخواست محسوب می‌شود.

۵-۲-۳- ساختار متمرکز و سلسله‌مراتبی

ساختار تصمیم‌گیری در حوزه مدیریت اجتماعات در ایران عمدتاً متمرکز می‌باشد، اگرچه به لحاظ شکلی، فرآیند صدور مجوز در سطح فرمانداری‌ها و استانداری‌ها انجام می‌گردد، اما

۶-۲- تفسیر موسع قضایی

رویه قضایی در بسیاری از موارد، با تفسیر موسع از عناوین کیفری، رفتارهای هیجانی را مشمول جرایم سنگین امنیتی قرار می‌دهد (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲۵).

این رویکرد، نه تنها با اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری (که به نفع متهم است) در تعارض است، بلکه می‌تواند به برچسب‌زنی نادرست به شهروندان و تشدید بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام عدالت کیفری منجر شود.

۶-۳- غلبه رویکرد امنیتی بر رویکرد حقوقی

در سطوح تقنینی، قضایی و اجرایی، رویکرد امنیتی بر رویکرد حقوقی غلبه یافته و این امر موجب شده است که آزادی اجتماعات به عنوان یک حق بنیادین، در عمل با محدودیت‌های گسترده مواجه شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۲۴۸). این غلبه، نه تنها به محدودسازی آزادی‌های مشروع می‌انجامد، بلکه در بلندمدت می‌تواند به افزایش هزینه‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی برای نظام حکمرانی منجر شود.

۶-۴- نبود رویه قضایی منسجم

فقدان رویه واحد در دادگاه‌ها و برخورد متفاوت قضات با پرونده‌های مشابه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در این حوزه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۷۹).

این وضعیت، پیش‌بینی‌پذیری نظام عدالت کیفری را کاهش داده و به احساس تبعیض و بی‌عدالتی در میان شهروندان دامن می‌زند. همچنین این ناهماهنگی می‌تواند به سوءاستفاده از خلأهای قانونی و تفسیرهای سلیقه‌ای منجر شود.

۶-۵- پراکندگی مقررات و خلأ قانونی

قواعد مربوط به آزادی اجتماعات در قوانین مختلف، از جمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی و آیین‌نامه‌های متعدد پراکنده شده است. این وضعیت موجب شده است که قاضی برای تشخیص مبنای حقوقی هر پرونده ناگزیر از مراجعه به منابع متعدد باشد. پراکندگی مقررات، علاوه بر دشوار ساختن فرآیند استنباط قضایی، احتمال صدور آرای متفاوت را نیز افزایش می‌دهد. آشوری معتقد است که

انسجام قوانین، یکی از پیش‌شرط‌های تحقق عدالت کیفری و تضمین حقوق شهروندان است؛ پراکندگی مقررات، زمینه‌ساز تفسیرهای متفاوت و گاه متعارض می‌شود (آشوری، ۱۴۰۱: ۷۰). شایان ذکر است که معاون سیاسی وزارت کشور نیز بر وجود خلأ قانونی در این حوزه صحنه گذاشته و اعلام کرده است که: «خبرگان قانون اساسی اصل ۲۷ را منحصر در احزاب نمی‌دانستند، ولی قوانین عادی و به تبع آن، آیین‌نامه‌های اجرایی طوری تدوین شده‌اند که گویی فقط احزاب و تشکلهای سیاسی اجازه برگزاری تجمع یا راهپیمایی دارند.» با این حال، تصویب کلیات طرح «حمایت از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها» در مجلس در دی‌ماه ۱۴۰۴، نشان از عزم قانون‌گذار برای رفع این خلأ و تدوین قانون جامع دارد که در صورت نهایی‌شدن، می‌تواند تحولی اساسی در سیاست جنایی این حوزه ایجاد نماید.

بازنگری در سیاست جنایی این حوزه، مستلزم پذیرش این واقعیت است که همه رفتارهای مجرمانه رخ داده در اجتماعات، ماهیت امنیتی ندارند. اتخاذ سیاست جنایی افتراقی، تفکیک جرایم هیجانی از جرایم سازمان‌یافته و استفاده از پاسخ‌های غیرکیفری و مدیریتی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت کیفری و صیانت از آزادی‌های اساسی باشد (حسینی، ۱۳۸۱: ۷۰). همچنین ضروری است که قوانین مرتبط با جرایم هیجانی، شفاف‌تر و دقیق‌تر تدوین شوند تا امکان تفسیرهای موسع و سلیقه‌ای به حداقل ممکن کاهش یابد. در این مسیر، آموزش تخصصی قضات و ضابطان، تدوین پروتکل‌های عملیاتی واحد و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل سیاست جنایی ایران در قبال جرایم هیجانی ناشی از اجتماعات، نشان داد که این حوزه با چالش‌های متعددی در سطوح تقنینی، قضایی و اجرایی مواجه است.

در سطح تقنینی، علی‌رغم شناسایی آزادی اجتماعات در اصل ۲۷ قانون اساسی، قانون‌گذار ایران فاقد جرم‌انگاری مستقل و شفاف درخصوص جرایم ناشی از تجمعات است و برخورد

۱- اولویت اول (کوتاه‌مدت/ فوری): جرم‌انگاری مستقل جرایم هیجانی، شفاف‌سازی مفاهیم قانونی و صدور رأی وحدت رویه در دیوان عالی کشور. این اقدامات، به‌عنوان زیربنای سایر اصلاحات، نیازی به بودجه‌های کلان یا زیرساخت‌های پیچیده نداشته و می‌توانند هرچه سریع‌تر محقق شوند.

۲- اولویت دوم (میان‌مدت): تدوین قانون جامع اجتماعات، تخصصی‌سازی دادگاه‌ها، تفکیک نقش برگزارکنندگان از شرکت‌کنندگان، ایجاد سامانه الکترونیک یکپارچه، تدوین پروتکل عملیاتی واحد و آموزش تخصصی قضات و ضابطان. این اقدامات، در گام دوم و با فراهم‌شدن مقدمات قانونی و آموزشی، قابلیت اجرا خواهند داشت.

۳- اولویت سوم (بلندمدت): تقویت سازوکارهای غیرکیفری حل اختلاف و ایجاد نهاد نظارتی مستقل. این اقدامات، به‌عنوان تکمیل‌کننده و تضمین‌کننده اجرای سایر پیشنهادات، نیازمند تغییرات فرهنگی، نهادی و ساختاری در بلندمدت هستند.

۱- پیشنهادهای تقنینی و سیاست‌گذاری

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر در سه حوزه اصلی ارائه می‌شود:

۱-۱- پیشنهادهای تقنینی

پیش از ارائه پیشنهادهای لازم است به یک پرسش بنیادین پاسخ داده شود: «چرا باوجود اصل حداقلی بودن حقوق کیفری و ضرورت پرهیز از تورم کیفری، جرم‌انگاری مستقل جرایم هیجانی پیشنهاد می‌شود؟»

در پاسخ باید گفت که جرم‌انگاری جدید در اینجا به‌معنای توسعه دامنه مداخله کیفری نیست، بلکه به‌معنای تحدید و تحدید آن است. به عبارت دیگر، آنچه پیشنهاد می‌شود نه ایجاد جرم جدید، بلکه تفکیک یک پدیده مجرمانه خاص از عناوین کلی و موسع موجود و اختصاص پاسخ کیفری متناسب به آن است. در وضعیت فعلی، به دلیل نبود جرم خاص، رفتارهای هیجانی با عناوین سنگین امنیتی (مانند «اجتماع و تبانی علیه امنیت» یا «فعالیت تبلیغی علیه نظام»)

کیفری عمدتاً از طریق عناوین کلی جرایم علیه امنیت داخلی و نظم عمومی صورت می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). این رویکرد، با اصول بنیادین حقوق کیفری، ازجمله اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری در تعارض است و شفافیت و انسجام لازم را ندارد.

در سطح قضایی، رویه قضایی با چالش‌های جدی نظیر ابهام در مفاهیم کلیدی، فقدان رویه منسجم، عدم تفکیک نقش برگزارکنندگان از شرکت‌کنندگان عادی، و نفوذ نگاه امنیتی در ذهنیت قضات مواجه است. این چالش‌ها موجب شده است که نظام عدالت کیفری نتواند پاسخ متناسب و عادلانه‌ای به جرایم هیجانی ارائه دهد و اعتماد عمومی به این نظام تضعیف گردد.

در سطح اجرایی نیز غلبه رویکرد امنیتی، فقدان شفافیت در فرآیند صدور مجوزها، ساختار متمرکز و سلسله‌مراتبی تصمیم‌گیری و فقدان سازوکارهای مؤثر جبران خسارت، ازجمله موانع اساسی تحقق سیاست جنایی متوازن در این حوزه هستند.

هیجانی‌بودن به‌خودی‌خود، نه توجیه‌کننده جرم است و نه لزوماً موجب تخفیف مجازات می‌شود. آنچه در سیاست جنایی مطلوب اهمیت دارد، تفکیک دقیق جرایم هیجانی از جرایم سازمان‌یافته و امنیتی است و نیز رعایت اصل تناسب در واکنش به آن‌ها. بر این اساس، بازنگری در سیاست جنایی این حوزه، مستلزم پذیرش این واقعیت است که همه رفتارهای مجرمانه رخ داده در اجتماعات، ماهیت امنیتی ندارند. اتخاذ سیاست جنایی افتراقی، تفکیک جرایم هیجانی از جرایم سازمان‌یافته و استفاده از پاسخ‌های غیرکیفری و مدیریتی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت کیفری و صیانت از آزادی‌های اساسی باشد (حسینی، ۱۳۸۱: ۷۰).

با عنایت به یافته‌های پژوهش، پیشنهادات ارائه‌شده در سه سطح اولویت، براساس اصل «ضرورت، امکان‌پذیری و وابستگی متقابل» دسته‌بندی شده‌اند:

محتوای پیشنهاد: ارائه تعاریف روشن و جامع از مفاهیم کلیدی در قوانین و تعیین معیارهای عینی برای تشخیص رفتارهای مجاز از ممنوع.

۱-۱-۳- اولویت سوم (میان مدت): تدوین قانون جامع اجتماعات

دلیل اولویت: قانون جامع می‌تواند تمام مقررات پراکنده را یکپارچه کرده و چارچوب واحد و منسجمی ارائه دهد. با این حال، تدوین چنین قانونی به سبب ابعاد گسترده و نیاز به هماهنگی میان نهادهای مختلف، زمان‌بر است و نمی‌تواند به سرعت پیشنهادات اولویت اول و دوم محقق شود.

محتوای پیشنهاد: تدوین قانونی جامع که تعریف دقیق از «اجتماع مسالمت‌آمیز» و «تجمع غیرقانونی»، تعیین مهلت معین برای پاسخگویی مراجع اداری، پیش‌بینی «سکوت به منزله موافقت»، تعیین مهلت معقول برای اعتراض به تصمیمات اداری و پیش‌بینی امکان برگزاری اجتماعات برای عموم شهروندان را شامل شود.

۱-۱-۴- اولویت چهارم (میان مدت): بازنگری در قوانین مرتبط با جرایم امنیتی

دلیل اولویت: این پیشنهاد به نوعی مکمل و نتیجه منطقی جرم‌انگاری مستقل است. پس از تعریف جرم خاص برای رفتارهای هیجانی، باید عناوین کلی امنیتی مانند «اجتماع تبانی»، «اخلال در نظم عمومی» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» بازتعریف و محدود شوند تا تداخلی با جرم جدید نداشته باشند.

۱-۲-۱- پیشنهاد های قضایی

پیشنهادهای زیر باتوجه به یافته‌های پژوهش در حوزه سیاست قضایی به نظر نگارنده قابل ارائه است:

۱-۲-۱- اولویت اول (فوری): صدور رأی وحدت رویه

دلیل اولویت: صدور رأی وحدت رویه از سوی دیوان عالی کشور، سریع‌ترین و مؤثرترین راهکار برای ایجاد وحدت رویه در دادگاه‌هاست و نیازی به تغییر قانون یا تصویب بودجه‌های جدید ندارد.

تعقیب می‌شوند که مجازات‌های بسیار شدید و نامتناسبی دارند. جرم‌انگاری مستقل، عملاً با ارائه یک عنوان مجرمانه خاص با مجازات‌های تعزیری سبک‌تر، جایگزین عناوین سنگین موجود می‌شود، بدین ترتیب، هم اصل تناسب رعایت می‌گردد و هم از توسعه بی‌منطق قلمرو کیفر کاسته می‌شود.

بر این اساس، پیشنهادات این پژوهش نه درجهت «افزایش مداخله کیفری»، بلکه درجهت «تنظیم و تحدید مداخله کیفری موجود» ارائه می‌شوند و با اصل حداقلی بودن حقوق کیفری در تعارض نیستند، بلکه به نظر می‌رسد در راستای تحقق آن هستند، چراکه کیفر شدید نامتناسب، به مراتب با اصل حداقلی بودن ناسازگارتر از کیفر متناسب و افتراقی است. افزون بر این، سیاست جنایی افتراقی (مبتنی بر تفکیک جرایم از یکدیگر) خود یکی از مظاهر رویکرد حداقلی به کیفر است، زیرا با تشخیص درجات مختلف مسؤولیت، از اعمال مجازات‌های یکسان و شدید برای رفتارهای ناهمسان جلوگیری می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۲۷۰).

۱-۱-۱- اولویت اول (فوری): جرم‌انگاری مستقل جرایم هیجانی

دلیل اولویت: تا زمانی که جرم خاصی برای رفتارهای هیجانی تعریف نشود، قضات ناگزیر به توسل به عناوین کلی و سنگین امنیتی خواهند بود. بنابراین این پیشنهاد به عنوان زیربنای سایر اصلاحات، در کوتاه‌مدت و به صورت فوری باید در دستور کار قانون‌گذار قرار گیرد.

محتوای پیشنهاد: تدوین عنوان مجرمانه خاص با مجازات‌های متناسب تعزیری و تفکیک آن از جرایم امنیتی و سازمان‌یافته با معیارهای پنج‌گانه (فقدان برنامه‌ریزی، عدم سازمان‌یافتگی، واکنش به محرک‌های آنی، عدم قصد مقابله با نظام و محدود بودن دامنه رفتار).

۱-۲-۱- اولویت دوم (فوری): شفاف‌سازی مفاهیم قانونی

دلیل اولویت: ابهام مفاهیمی مانند «نظم عمومی»، «امنیت ملی»، «اجتماع و تبانی» و «فعالیت تبلیغی»، ریشه اصلی تفسیرهای موسع و سلیقه‌ای است. بدون شفاف‌سازی این مفاهیم، هرگونه اصلاح دیگر با تردید مواجه خواهد شد.

۱-۳-۳- پیشنهادهای اجرایی و آموزشی

پیشنهادهای زیر باتوجه به یافته‌های پژوهش در حوزه اجرا و آموزش به‌نظر نگارنده قابل ارائه است:

۱-۳-۱- اولویت اول (کوتاه‌مدت): ایجاد سامانه الکترونیک**یکپارچه**

دلیل اولویت: این اقدام با حداقل هزینه و با استفاده از فناوری‌های موجود (و با تأکید بر مصوبه اخیر مجلس مبنی بر راه‌اندازی سامانه مدیریت برخط)، می‌تواند به‌سرعت شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری را افزایش دهد.

محتوای پیشنهاد: وزارت کشور نسبت به طراحی و راه‌اندازی سامانه الکترونیک یکپارچه برای ثبت، پردازش و پیگیری تقاضاهای تشکیل اجتماعات اقدام کند.

۱-۳-۲- اولویت دوم (میان‌مدت): تدوین پروتکل عملیاتی**واحد**

دلیل اولویت: این اقدام نیازمند همکاری فراجا و قوه قضاییه است و تهیه و ابلاغ آن زمان‌بر است.

محتوای پیشنهاد: وزارت کشور با همکاری فراجا و قوه قضاییه، پروتکل عملیاتی جامعی برای مدیریت اجتماعات تدوین نماید.

۱-۳-۳- اولویت سوم (میان‌مدت): آموزش تخصصی قضات**و ضابطان**

دلیل اولویت: آموزش‌های تخصصی نیازمند برنامه‌ریزی، تدوین محتوای آموزشی و اجرای دوره‌های مستمر است.

محتوای پیشنهاد: برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر و الزامی برای قضات و ضابطان در زمینه حقوق شهروندی، نحوه مدیریت اجتماعات مسالمت‌آمیز و اصول کاهش تنش.

۱-۳-۴- اولویت چهارم (بلندمدت): تقویت سازوکارهای**غیرکیفری حل اختلاف**

دلیل اولویت: نهادینه‌سازی گفتگو و میانجی‌گری، مستلزم تغییر فرهنگ و تقویت نهادهای مدنی است که زمان‌برترین راهکار به‌شمار می‌رود.

محتوای پیشنهاد: دیوان عالی کشور با جمع‌آوری آرای متناقض، معیارهای مشخصی برای تشخیص اجتماع مسالمت‌آمیز از غیرمسالمت‌آمیز، تفسیر مضیق قوانین جزایی و رعایت اصل تناسب تعیین نماید.

۱-۲-۲- اولویت دوم (میان‌مدت): تخصصی‌سازی دادگاه‌ها

دلیل اولویت: ایجاد شعب تخصصی نیازمند آموزش قضات، تدوین دستورالعمل‌ها و اختصاص منابع است که زمان‌بر بوده و نمی‌تواند به‌سرعت محقق شود. با این حال، پس از صدور رأی وحدت رویه، تخصصی‌سازی دادگاه‌ها می‌تواند به‌عنوان گام تکمیلی، اجرای رویه واحد را تضمین نماید.

محتوای پیشنهاد: ایجاد شعب تخصصی در دادگاه‌ها و دادرها با بهره‌گیری از قضات آموزش‌دیده در زمینه حقوق اساسی، حقوق بشر و اصول دادرسی عادلانه.

۱-۲-۳- اولویت سوم (میان‌مدت): تفکیک نقش**برگزارکنندگان از شرکت‌کنندگان عادی**

دلیل اولویت: این پیشنهاد، گرچه از منظر عدالت کیفری ضروری است، اما در عمل نیازمند تغییر رویه قضایی و آموزش قضات است و پیش‌نیاز آن، تعیین ضوابط دقیق توسط رأی وحدت رویه یا قانون می‌باشد.

محتوای پیشنهاد: شناسایی دقیق نقش و میزان مسؤولیت هر یک از متهمان، تعیین مجازات‌های پلکانی و متناسب و اعمال رویکرد ارفاقی نسبت به شرکت‌کنندگان عادی.

۱-۲-۴- اولویت چهارم (میان‌مدت): رعایت اصل تناسب در**قرارهای تأمین**

دلیل اولویت: این پیشنهاد، در صورت تثبیت رویه قضایی مناسب (از طریق رأی وحدت رویه)، می‌تواند به‌سرعت اجرا شود، اما نیازمند آگاهی و آموزش قضات در این زمینه است.

محتوای پیشنهاد: قضات از صدور قرارهای تأمین سالب آزادی در پرونده‌های مرتبط با شرکت در اجتماعات مسالمت‌آمیز خودداری کرده و به‌جای آن از قرارهای تأمین متناسب استفاده نمایند.

محتوای پیشنهاد: استفاده از ظرفیت گفتگو و میانجی‌گری میان معترضان و مسؤولان و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای میانجی.

۱-۳-۵- اولویت پنجم (بلندمدت): ایجاد نهاد نظارتی مستقل
دلیل اولویت: این پیشنهاد به‌عنوان تکمیل‌کننده سایر پیشنهادات، در بلندمدت و پس از ایجاد زیرساخت‌های قانونی و اجرایی امکان‌پذیر است.

محتوای پیشنهاد: تشکیل نهادی مستقل و فراگیر برای نظارت بر عملکرد نهادهای اجرایی در حوزه اجتماعات و تضمین حقوق شهروندان.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.

- آرون، ریمون (۱۳۸۹). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- آشوری، محمد (۱۴۰۱). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ بیست‌ودوم، تهران: انتشارات سمت.

- بابایی، مهدی (۱۳۸۷). *آزادی اجتماعات در حقوق اساسی ایران، فرانسه و انگلستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، نام استاد راهنما محمدحسین زارعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۷۶). «سیاست جنایی؛ مفاهیم و مدل‌ها». *مجله کانون وکلای دادگستری*، ۱۱: ۴۰-۵۵.

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۱). *سیاست جنایی در نظام حقوقی ایران*. تهران: انتشارات میزان.

- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۳۹۸). «درآمدی بر سیاست جنایی دولت در ایران». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۹(۲): ۱-۳۵.

- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آناتومی جامعه*. چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشارات.

- عباسی، بیژن (۱۳۹۰). *حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین*. تهران: انتشارات دادگستر.

- کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۹۲). «بومی‌سازی سیاست جنایی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲: ۱۵-۴۰.

- گسن، ریموند (۱۳۷۴). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه مهدی کینیا، تهران: انتشارات مجد.

- موسوی‌زاده، سیدرضا (۱۳۹۸). *حقوق بشر و آزادی اجتماعات در نظام بین‌الملل*. تهران: انتشارات شهر دانش.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۱). *تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری*. تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۸). *تقریرات درس سیاست جنایی*. تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۵). *سیاست جنایی و پیشگیری از جرم*. تهران: انتشارات میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰). سیاست جنایی در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۸). سیاست جنایی و نظم عمومی. تهران: انتشارات جنگل.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۸۱). حقوق کیفری اختصاصی. تهران: انتشارات میزان.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

ب. قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸.
- قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده، مصوب ۱۳۶۰، منسوخ‌شده.
- قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، مصوب ۱۳۹۵.
- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۱۳۷۵.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲.
- آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، مصوب ۱۳۹۷ هیأت وزیران.
- طرح «حمایت از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها در اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی» (کلیات مصوب مجلس شورای اسلامی، دی ۱۴۰۴) - در دست بررسی.